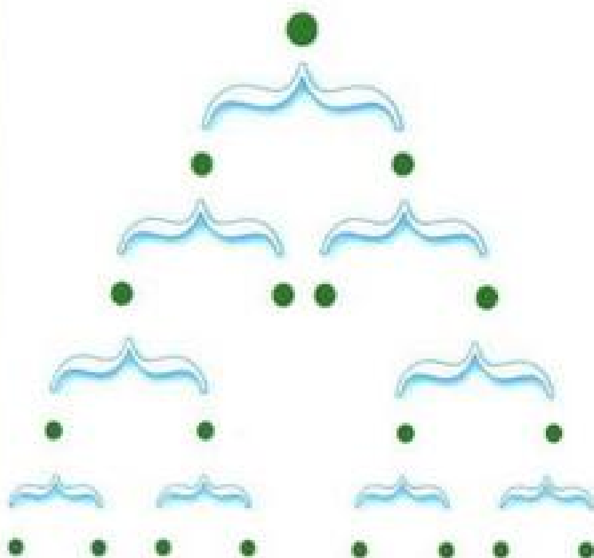


نحو نموداری

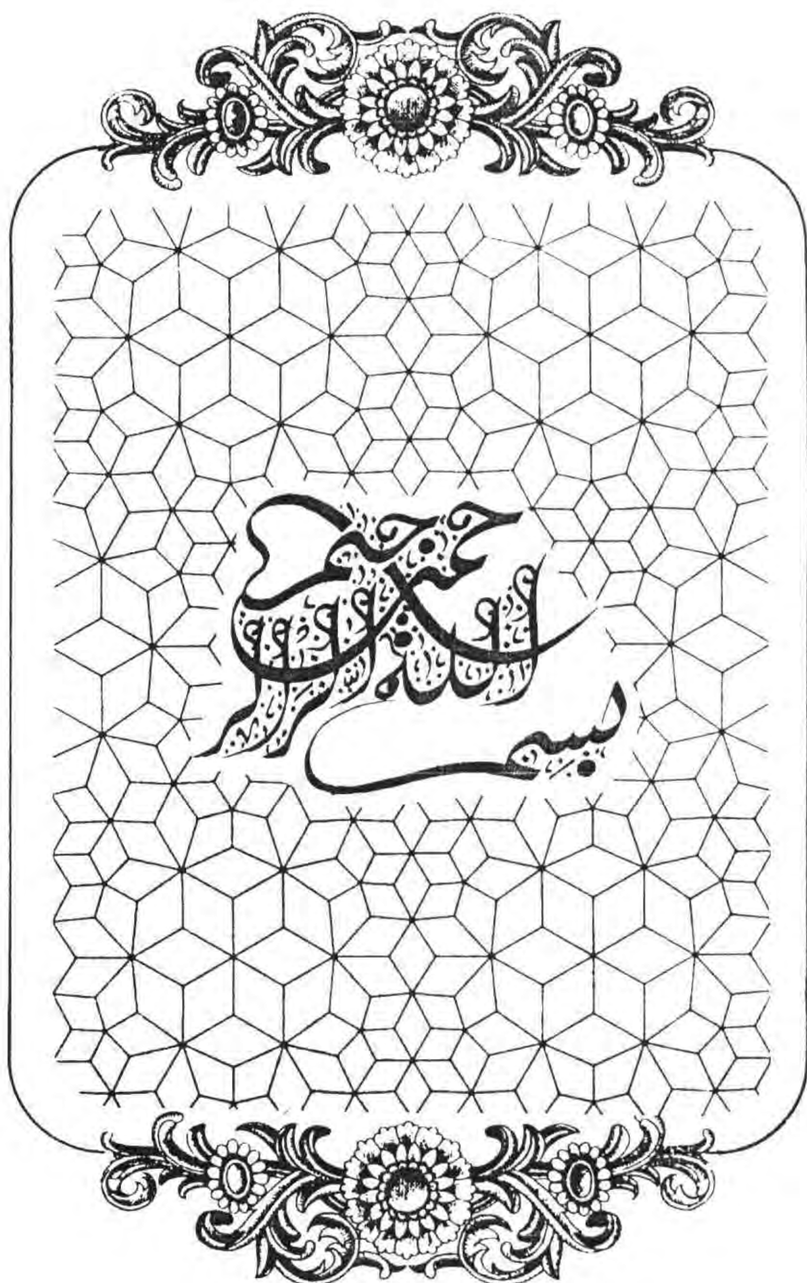
آموزش علم نحو به روش نموداری





استاد عباسعلی دلاوری




بسم الله الرحمن الرحيم

پدیده آورنده: دلاوری، عباسعلی
عنوان: نحو نموداری
تکرار نام پدید آور: تالیف عباسعلی دلاوری
مشخصات نشر: قم : عالمه، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱٤٤ ص.
بهاء: ریال ISBN: ۹۷۸-۹٦٤-٦۷۹۸-۹۵-۳
وضعیت فهرست نویسی فیپا
موضوع: زبان عربی – صرف و نحو
موضوع: زبان عربی- صرف و نحو – راهنمای آموزشی
رده کنگره: ۱۳۹۰ – ۳ن ۸ د/ ٦۱٤۱ pj رده دیویی: ٤۹۲/۷۵
شماره کتابخانه ملی: ۱۹۵٤۷۸۳

نحو نموداری

مؤلف / حجت الاسلام و المسلمین عباسعلی دلاوری
قطع/ وزیری، ۱٤٤ صفحه
نوبت چاپ/سوم زمستان ۱۳۹٤
چاپ یاران
شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه
ناشر / عالمه

شابک: ۳-۹۵-۹۷۸-۹٦٤-٦۷۹۸

مرکز پخش: کتابفروشی حسینی

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف بالا، پلاک ۸۸

تلفن: ۷۷۳۷٤۰۵ – ۰۲۵۳ – فکس : ۳۷۸۳۷٦۹٦- همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۷۵٤٦

قیمت:۵۰۰۰ تومان

نحو نموداری

تألیف:
عباسعلی دلاوری نوغابی

این کتاب را هدیه می‌کنم
به همه طلاب جوان و پویندگان راه حق و فضیلت
امید است ذخیره‌ای باشد برای روزیکه نه مال و نه فرزند
به درد انسان نمی‌خورد جزء عمل صالح

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

درس اول: تعریف علم نحو

س۱ـ علم نحو چه علمی است؟

ج۱- علمی ا ست که از کیفیت ساختن جمله و ارتباط کلمات با یکدیگر و تغییر آخر کلمات از حیث اعراب و بناء بحث می‌کند.

س۲ـ فایده علم نحو چیست؟

ج۲ـ فایده آن نگه داشتن زبان از خطاء در گفتار و نوشتار است.

س۳ـ موضوع علم نحو چیست؟

ج۳ـ موضوع آن کلمه و کلام ا ست.

موضوع علم نحو { ۱- کلمه / ۲- کلام }

س۴ـ کلمات در زبان عربی بر چند قسم است؟

ج۴ـ به اعتباری بر دو قسم است معرب و مبنی

س۵ـ معرب یعنی چه و مبنی یعنی چه؟

ج۵ـ معرب به کلمه ای می‌گویند که آخرش متغیّر باشد و مبنی به کلمه ای می‌گویند که آخرش ثابت باشد.

س۶ـ کلمه بر چند قسم ا ست؟

ج۶ـ کلمه بر سه قسم ا ست. اسم ـ فعل ـ حرف

کلمات یا { ۱- معرب = آخرش متغیر / ۲- مبنی = آخرش ثابت }

اقسام کلمه
- ۱- اسم = مانند: زید — حسن- علی
- ۲- فعل = مانند: **ضَرَبَ – يَضْرِبُ- اِضْرِبْ**
- ۳- حرف = مانند: **فی** (در) **مِنْ** (از)

س۷ـ چه اسم‌هائی معرب‌اند و چه اسم‌هائی مبنی، هستند؟

ج۷ـ اسمها تماماً معرب‌اند بجز ۷ اسم

۱ـ ضمائر (**هُو**) ۲ـ موصولات (**اَلّذی**) ۳ـ اشارات (**هذا**)۴ـ اسماء شرط (**مَن**)

۵ـ اسماء استفهام (**کیف**) ۶ـ کنایات (**کَم**)۷ـ اسماء افعال (**هَيْهات**)

اسماء مبنی
- ۱- ضمائر مانند: هُو- اَنتَ- کُم
- ۲- موصولات مانند: = اَلّذی — اَلّتی
- ۳- اسماء اشارات مانند: — هذا — ذاکَ
- ۴- اسماء شرط مانند- مَنْ
- ۵- اسماء استفهام مانند: — کَيفَ
- ۶- کنایات مانند- کَمْ
- ۷- اسماء اَفعال مانند- هَيْهات

س۸ـ آیا حروف معرب‌اند یا مبنی؟

ج۸- حروف تماماً مبنی، هستند.

حروف مبنی
- ۱ـ حروف جَر (۱۷) حرف‌اند.
- ۲ـ حروف مشبّهه بفعل (۶) حرفند.
- ۳ـ ماء ولای مشبهه بلیس (۲) حرفند.
- ۴ـ حروف ندا (۷) حرفند.
- ۵ـ حروف ناصبه (۴) حرفند.
- ۶ـ حروف جازمه (۵) حرفند.

س۹ـ از افعال کدام فعل مبنی است و کدام فعل معرب است؟

ج۹ـ فعل ماضی و فعل امر و صیغه ۶ و ۱۲ فعل مضارع مبنی، هستند و فعل مضارع معرب است و اگر آخر فعل مضارع نون تأکید داشته باشد مبنی است

افعال مبنی عبارت‌اند از:
- ۱- فعل ماضی تماماً مبنی می‌باشد ۱۴ صیغه فعل ماضی
- ۲- فعل امر مبنی می‌باشد
- ۳- فعل مضارع صیغه ۶ و ۱۲ مبنی می‌باشد.
- ۴- فعل مضارع اگر آخرش نون تأکید داشته باشد مبنی است.

س۱۰ـ بناء چیست؟ و بر چند قسم است؟

ج۱۰- بِنا همان حرکت آخر کلمه مبنی را بنا گویند که همیشه ثابت است و بنا بر چهار قسم است

۱ـ مبنی بر فتح َ مانند: **أنتَ ـ رُبَّ** - ـــَـ

۲ـ مبنی بر ضم ُ مانند: **نَحنُ ـ منذُ** - ـــُـ

۳ـ مبنی بر کسر ِ مانند: **أنتِ ـ أمسِ**- ـــِـ

۴ـ مبنی بر سکون مانند: **مِنْ ـ عَن** - ـــْـ

بِنا عبارت است از:
- ۱- مبنی بر فتح مانند: = **أنْتَ - رُبَّ**
- ۲- مبنی بر ضَم مانند = **نَحْنُ – مُنْذُ**
- ۳- مبنی بر کسر مانند: = **أنْتِ – أمسِ**
- ۴- مبنی بر سکون مانند: – **مِنْ – عَنْ**

س۱۱ـ اعراب چیست و بر چند نوع است؟

ج۱۱ـ اعراب همان حرکت آخر کلمه را گویند که متغیر است و بر چهار قسم است:

۱ـ رفع- مانند: **سعیدٌ** اسم مرفوع و **یَضْرِبُ** فعل مرفوع
۲- نَصب- مانند = **سَعیداً** اسم منصوب و أن **یَضْرِبَ** فعل منصوب
۳- جَرْ- مانند = **سَعیدٍ** اسم مجرور = جر مختص به اسم است.
۴- جزم= مانند: – **لَم یَضْرِبْ** فِعل مجزوم = جزم مختص به فعل است.

س ۱۲- کدام یک از این اعراب مشترک‌اند بین اسم و فعل و کدام یک مخصوص به فعل یا اسم است؟

ج ۱۲- رفع ونصب بین اسم و فعل مشترک‌اند و جَرْ مختص به اسم است و جزم مختص به فعل

اعراب مشترک:
۱- رفع مانند: سعیدٌ اسم **یَضْرِبُ** فِعل = مشترک بین اسم و فعل
۲- نصب مانند: سعیداً اسم أن **یَضْرِبَ** فعل مشترک بین اسم و فعل

اعراب مخصوص:
۳- جَر مانند: سعیدٍ = این مختص به اسم است.
۴- جَزْم – مانند: **لَم یَضْرِبْ** این مختص به فعل است.

خود را بیازمایید

۱ـ موضوع علم نحو عبارتست ا ز...................

الف: اقوال علماء نحو	ب: کلمه	ج: کلام	د: کلمه و کلام

۲ـ فایده علم نحو چیست؟

الف: نگه داشتن زبان از خطا	ب: نگهداشتن قلم از خطا در نوشتار

ج: الف و ب صحیح است	د: هیچکدام

۳ـ معرب عبارتست از کلمه ایکه..............

الف: آخرش متغیر است	ب: آخرش ثابت است

ج: حر کت قبول نمی‌کند	د: الف و ب صحیح است

۴ـ مبنی عبارتست از..............

الف: آخرش ثابت است	ب: اعراب قبول نمی‌کند

ج: اعراب آخرش متغیر است	د: هیچکدام صحیح نیست

۵ـ اعراب مشترک بین اسم و فعل کدام است

الف: جَر و جَزم	ب: جزم و نصب	ج: جر و رفع	د: رفع و نصب

خلاصه درس اول:

علم نحو: علمی است که از کیفیت جمله و ارتباط آن بحث می‌کند.

قائده علم نحو: نگه داشتن زبان از خطا

موضوع علم نحو: کلمه و کلام است.

کلمه بر سه قسم است: اسم فعل- حرف

بسم الله الرحمن الرحیم

درس دوم: اعراب فعل مضارع

س۱ـ فعل مضارع دارای چند نوع اعراب است؟

ج۲ـ فعل مضارع دارای سه نوع اعراب ا ست.

۱ـ رَفع = مانند **یَضْرِبُ** = مرفوع است

۲ـ نَصْب = مانند **اَنْ یَضْرِبَ** = منصوب است

۳ـ جَزم = مانند **لَمْ یَضْرِبْ** = مُجْزوم است

اعراب فعل مضارع عبارت‌اند از:	۱- رفع = **یَضْرِبُ** ۲- نَصب= **آنْ یَضْرِبَ** ۳- جَزْم= **لَمْ یَضْرِبْ**

س۲- علامت رفع در فعل مضارع چیست؟

ج۲ـ فعل مضارع هرگاه بدون عامل باشد مرفوع است و علامت آن سه تا است.

۱ـ ضمه ـُـ در صیغه‌های (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۲ـ نون ِ نَ در صیغه‌های (۲ـ ۳ـ ۵ـ ۸ـ ۹ـ ۱۰ـ ۱۱)

۳ـ ساکن شدن حروف عِلّه‌ی- در **یَدْعُو- یَخْشی**

علامت رفع در فعل مضارع	۱- ضمه ـُـ در صیغه‌های (۱-۴-۷-۱۳-۱۴) پنج صیغه ۲- نون «ن» در صیغه‌های (۲-۳-۵-۸-۹-۱۰-۱۱) ۳- ساکن شدن حروف علّه حروف عله عبارت‌اند از: (واو- ی)

س۳ـ علامت نصب فعل مضارع چیست؟

ج۳ـ فعل مضارع بعد از عوامل نصب منصوب می‌شود و علامت نصب دو تاست.

۱ـ فتحه ـَ در صیغه‌های (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۲ـ حذف نون در صیغه‌های (۲ـ ۳ـ ۵ـ ۸ ـ ۹ـ ۱۰ـ ۱۱)

س۴ـ عوامل نصب بر چند قسم است؟

ج۴ـ عوامل نصب بر دو قسم است.

۱ـ عوامل **با لذّات**

۲ـ عوامل به أنْ مقدّرة

س۵ـ حروف ناصب بالذّات و حروف ناصب به أنْ مقدره چند تا هستند؟

ج۵ـ حروف ناصب بالذّات چهار تا هستند أنْ ـ لَنْ ـ کَیْ ـ اِ ذَنْ

حروف ناصب به أن مقدره پنج تا هستند لام ـ حتی ـ واو ـ او ـ فاء

مانند: = خُذالدّوا لِتَبرأَ که تَبرَا منصوب است به أن مقدرّه در اصل بوده لِأن تَبرأَ و علامت نصب آن فتحه ـَـ آخر است

پس لام به کمک أن مقدره نصب داده نه بتنهائی

عوامل نصب فعل مضارع:
- ۱- ناصب بالذّات
- ۲- ناصب به أنْ مقدره

علامت نصب فعل مضارع:
- ۱- فتحه ـَـ در صیغه‌های (۱-۴-۷-۱۳-۱۴)
- ۲- حذف نون در صیغه‌های (۲-۳-۵-۸-۹-۱۰-۱۱)

حروف ناصبه به آن مقدره:
- ۱- لام- مانند:
- ۲- واو — مانند:
- ۳- حَتی- مانند:
- ۴- فاء — مانند
- ۵- أوْ — مانند:

خود را بیازمایید

۱ـ فعل مضارع دارای............................. اعراب است؟

الف: دو نوع . رفع و نصب — ب: سه نوع. جر ـ رفع ـ نصب

ج: یک نوع رفع — د: سه نوع. جزم ـ رفع ـ نصب

۲ـ فتحه در چه صیغه هائی علامت نصب است؟

الف: در (۱ـ ۲ـ ۳ـ۴) ب: در (۴ـ ۵ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

ج: (۱ـ ۳ـ ۴ـ ۹ـ ۱۰) د: (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۳ـ ضمه در صیغه‌های............................ علامت رفع است؟

الف: (۹ـ ۱۲ـ ۱۰ـ ۱۱) ب: (۴ـ ۵ـ ۱ـ ۶)

ج: (۱۳ـ ۱۴ـ۷ـ ۸ـ ۶) د: (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۴ـ عوامل نصب با لذّات در مضارع عبارتند از

الف: أن ـ لَم ـ لَما ب: کی ـ حتی ـ او

ج: أن ـ لَن ـ کَی ـ اِذَن د: أو ـ حتی ـ لام ـ فاء ـ واو

۵ـ حروف ناصیه به ان مقدر ه عبارتند از :

الف: أن ـ فاء ـ واو ـ کی ب: لام ـ حتی ـ او ـ واوـ فاء ـ

ج: لام ـ کی ـ لن ـ اذن د: أن ـ لن ـ کی ـ اِذَن

خلاصه درس دوّم

۱- فعل مضارع دارای سه نوع اعراب است: رفع – نصب – جزم

۲- علامت رفع در فعل مضارع سه تا است: ضمّه – نون- سکون

۳- علامت نصب در فعل مضارع دو تا است: فتحه – حذف نون

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سوم: علامت جزم در فعل مضارع

س۱ـ علامت جزم در فعل مضارع چیست؟

ج۱ـ علامت جزم در فعل مضارع سه تا است.

الف: سکون

ب: حذف نون

ج: حذف حرف علّه.

س۲ـ سکون در چه صیغه‌های فعل علامت جزم است؟

ج۲ـ در لَم یَذهَبْ. **لَم تَذْهَبْ ـ لَم أَذْهَبْ ـ لَم نَذْهَبْ** سکون علامت جزم است.
صیغه‌های (۱-۴-۷-۱۳-۱۴)

علامت جزم در فعل مضارع:
۱- حذف حرف عِلّه واو - ی
۲- حذف نون در صیغه‌های (۲-۳-۵-۸-۹-۱۰-۱۱)
۳- سکون در صیغه‌های (۱-۴-۷-۱۳-۱۴)

س۳ـ حذف نون در چه صیغه‌های علامت جزم است؟

ج۳: در **لَم یَذْهَبا ـ لَم تَذهَبا ـ لَم یَذهَبُوا ـ لَم تَذهَبوا ـ لَم تَذهَبی**- در افعال خَمسه

س۴ـ حذف حرف عِلّة در چه صیغه هائی علامت جزم است؟

ج۴: در افعال ناقصه صیغه‌های (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

لَم یَرْمِ در اصل بوده لَم یَرْمِیُ = یاء حذف شده ـ ناقص یائی

لَم یَدْعُ در اصل بوده **لَم یَدعُوُ** ـ ناقص واوی واو حذف شد

س۵ـ عوامل جزم در فعل مضارع چیست؟

ج۵: عوامل جزم بر دو قسم است

الف: حروف جازمه

ب: اسماء جازمه

س۶ـ حروف جازمه چند تا هستند؟

ج۶: حروف جازمه عبارت‌اند از (**لَم ـ لَمّا ـ لام اَمر ـ لاء نهی ـ اِنْ شَرْط**)

حروف جازمه یک فعل را جزم می‌دهد

اما اِن شرط دو فعل را جزم می‌دهد

فعل اوّل را به عنوان فعل شرط و فعل دوّم را به عنوان جزای شرط

۱- مانند: **اِنْ تَنْصُر الله یَنصُرکُم**

اِنْ حرف جزم

تَنْصرالله = فعل شرط

یَنصرکُم = جزای شرط

اگر خدا را یاری کنید شرط است خدا هم شما را یاری می‌کند این همه جزا یا جواب شرط است.

عوامل جزم فعل مضارع:

۱- حروف جازمه که عبارت‌اند از: (**لَم – لَما – لِـ امر – لاء نهی = اِنْ شرط**)

۲- اسماء جازمه که عبارت‌اند از (**مَنْ- ما، مَهْما- اَینَما- مَتی – اِذْ ما – اَیّانَ- اَیُّ – کیفما**) نه اسم می‌باشند.

س۷ـ اسماء جازمه چند تا هستند؟

ج۷: اسماء جازمه دو فعل را جزم می‌دهند نه تا هستند که به آنها اسماء شرط هم گفته می‌شود.

أسماء جازمه:
- ۱- **مَنْ** – هر کس
- ۲- **ماء** – هر چیز
- ۳- **مهما**- هر طور
- ۴- **آینما** – هر جا
- ۵- **متی** – هر وقت
- ۶- **اِذما** – هر وقت
- ۷- **اَیّانَ** – هر وقت
- ۸- **اَیٌّ** – هر کدام
- ۹- **کَیفما** – هر طور

مثال

متی، تَذهَبْ، اَذهَبْ «متی اسم جزم **تَذهَبْ** فعل محزوم شرط **اِذْهَب**؛ فعل مجزوم و جزای شرط» یعنی هر وقت بروی می‌رویم.

متی اسم شرط یا اسم جزم

تَذهَب فعل شرط مجزوم به متی علامت جزم سکون است

اَذهَب فعل جزا ء مجزوم به متی

تمرین

۱ـ عوامل جزم را در افعال زیر تعیین کنید.

الف: **اَلَم یَعلم بِاَنَّ الله** یَرای ـ آیا ندانست که خدا می‌بیند

لَم حروف جازمه **یَعْلَم** فعل مجزوم به لم

ب: **اِن تَتَّقُواالله یَجْعَل لَکُم فُرقاناً** ـ اگر از خدا بترسید خداوند وسیله تشخیص حتی از باطل قرار می‌هد

اِنْ حروف جازمه تتقوا فعل شرط **یَجْعَلْ** فعل جزا و هر دو مجزوم به اِن

خود را بیازمایید

۱ـ در چه صیغه هائی علامت جزم سکون است؟

الف: ۱ـ ۲ـ ۳ـ ۴ـ　　ب: ۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴

ج: ۵ـ ۷ـ ۴ـ ۱۲　　د: ۱ـ ۷ـ ۳ـ ۵ـ ۱۴

۲ـ در افعال خمسه علامت جزم چیست؟

الف: حذف واو　　ب: حذف حرف عله

ج: حذف نون　　د: سکون

۳ـ در افعال ناقصه علامت جزمه .... است.

الف: حذف حرف عله　　ب: حذف واو

ج: حذف نون　　د: حذف ی

۴ـ حروف جازمه عبارت‌اند از

الف: **اِن ـ من ـ لاءِ ـ لم**　　ب: **لاء نهی ـ اِن شرط ـ متی**

ج: **من ـ ماء ـ لاء ـ لم**　　د: **لم ـ لما ـ لاء نهی ـ لاء امر ـ اِن**

خلاصه درس سه

۱ـ علامت جزم فعل مضارع سه تا است ـ سکون ـ حذف نون ـ حذف حرف عله

۲ـ سکون در صیغه‌های (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۳ـ حذف نون در افعال خمسه

۴ـ حذف حرف عله در افعال ناقصه صیغه‌های (۱ـ ۴ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۴)

۵ـ عوامل جزم دو تا هستند حروف ـ اسماء

۶ـ حروف عبارت‌اند از (**لم ـ لماء ـ لام امر ـ لاء نهی ـ اِن**)

۷ـ اسماء جازمه عبارت‌اند از ـ من ـ مها ـ متی ـ..........

۸ـ حروف جازمه یک فعل را جزم می‌دهد ولی اِن دو فعل را جزم می‌دهد.

۹ـ اسماء جازمه دو فعل را جزم می‌دهد.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس چهارم: اضافه

س۱ـ اضافه یعنی چه؟

ج۱ـ گفتیم مجرورات بر دو قسم است ۱ـ مجرور به حرف جّر ۲ـ مجرور به اضافه اضافه یعنی نسبت دادن اسمی به اسم دیگر مانند: کِتابُ عَلِيٍ

س۲ـ مضاف و مضافٌالیه یعنی چه؟

ج۲ـ اسم اول را مضاف (اضافه شده) و اسم دوّم را مضافٌالیه (اضافه شده به آن) نامند

س۳ـ شرایط مضاف و مضافٌالیه چیست؟

ج۳ـ شرایط مضافٌالیه اینست که مضافٌالیه همیشه مجرور است (کُل مضافٌالیه مجرورٌ) و اما شرائط مضاف اینست که:

شرایط مضاف:
- ۱ـ الف و لام نداشته باشد.
- ۲ـ تنوین نداشته باشد.
- ۳- نون تَثْنِیَه نداشته باشد.
- ۴ـ نون جمع نداشته باشد.

مجرورات:
- ۱- مجرور به وسیله حرف جر
- ۲- حروف جر ۱۷ تا هستند (فی- اِلی- مِن- حتی- عن- باء- تا- کاف- لام)
- ۳- مجرور به اضافه مانند: کتابُ عَلیٍّ علی مجروربه اضافه است.

س۲- مجرور به حرف جر یعنی چه؟

ج۲- یعنی اسمائیکه بعد از حروف جر می‌آیند مجرور واقع می‌شوند. حروف جاره۱۷) حرف هستند (**مِنْ- فی- علی- اِلی- بـ- ....**) مانند **فی الدّارِ** که دار مجرور است بوسیله **فی** (**مِن- فی - الی- عَلی- حَتّی - کِ- لِ- بـ- واو- منذ- مذ خذا- عَنْ**)

س۴ـ اضافه چه فایده ای دارد؟

ج۴ـ اضافه دو فایده دارد.

فائده اضافه:
- ۱ـ تعریف: هر گاه مضاف‌الیه معرفه باشد مضاف را نیز معرفه می‌کند.
- ۲ـ تخصیص (خاص کردن) هر گاه مضاف‌الیه نکره باشد مضاف را خاص می‌کند.

شرائط مضاف:
- ۱- اسمی که مضاف واقع شود. الف و لام ندارد مانند: قَلَم سعیدٍ
- ۲- اسمی که مضاف واقع شود تنوین نمی‌گیرد مانند: کتابُ عَلِیّ
- ۳- اسمی که مضاف واقع شود اگر تثنیه باشد نونش حذف می‌شود مانند: **معَلِّما مدرِسَة**
- ۴- اسمی که مضاف واقع شود اگر جمع باشد نونش حذف می‌شود مانند: **مُعَلِّمُ المدرِسة**

س۵ـ چه اسمهائی همیشه اضافه می‌شوند؟

ج۵- اسمها دائم الاضافه عبارت‌اند از

اسماء دائم

اسماء دائم الاضافه

۱ـ کُلْ. (هر ـ همه) مانند: کُلُّ شَیءٍ

۲ـ بَعض.(برخی) مانند = بَعْضُ القوم

۳ـ جمیع.أجمع. (همگی) =

۴ـ کِلا و کِلتا (هر دو) =

۵ـ مثل و شبیه. (مانند) مثلک — شبیه

۶ـ غَیر و سوی.(بجز ـ مگر) = غیرُکَ

۷ـ أیُّ. (هر کدام) = ایّ الامیر

۸ ـ لَدُن ـ عِند.(نزد) = عندی

۹ـ ذا ت.(دارای) = ذاتی

۱۰ـ یَمین ـ یسار (راست و چپ) یسار = یمینک

۱۱ـ فَوق ـ تَحت.(بالا ـ پایین) = تحت الشجرة

۱۲ـ أمام.(جلو) = أمای

۱۳ـ بَیْن (وسط)

۱۴ـ قَبل ـ بعد. (پیش و پس) قبل الافطار

۱۵ـ معَ.(با) = معَ امی

قائده افاضه	۱- تعریف- یعنی = اسم مضاف اگر معرفه باشد هرگاه به اسم دیگری اضافه شود او را هم معرفه می‌کند مانند: کتاب نکره است هرگاه به علی اضافه شود معرفه می‌شود. ۲- تخصیص = یعنی هرگاه مضاف الیه نکره باشد مضاف را خاص می‌کند مانند:

خود را بیازمائید؟

س۱ـ اضافه عبارت است از..................؟

الف: نسبت دادن اسمی به اسم دیگر　　ب: تعریف اسمی از اسم دیگر

ج: اسمی را برای اسم دیگر خاص کردن　　د: هیچ کدام

س۲ـ کدامیک از جملات زی غلط است؟

الف: کتابُ عَلِیٍ　　ب: معلِّم المدرسة　　ج: صفینهُنوحٍ　　د: خاتُم امرَاَةٍ

س۳ـ کدام یک از جملات زیر صحیح است؟

الف: المعلّن المدرسةِ　　ب: معلمون المدرسةِ

ج: معلموا المدرسة　　د: معلمان المدرسة

س۴ـ فایده اضافه.........................است؟

الف: تعریف و تمجید　　ب: تخصیص و تبعیض

ج: حذف الف و لام　　د: تعریف و تخصیص

س۵ـ مضافُالیه اسم دائم الاضافه حذف............................؟

الف: نمی‌شود　　ب: می‌شود

ج: ثابت است　　د: هیچ کدام

س۶- فائد اضافه چیست؟

خلاصه درس چهارم

۱ـ اضافه یعنی نسبت دادن اسمی به اسم دیگر.

۲ـ به اسم اوّلی مضاف و به اسم دوّمی مضافٌالیه گویند.

۳ـ مضافٌالیه همیشه مجرور است.

۴ـ مضاف: الف و لام ـ تنوین ـ نون تثنیه و جمع ندارد.

۵ـ اضافه دو فایده دارد ـ ۱ـ تعریف ۲ـ تخصیص

تمرین:

قُلْ أَعوُذُ بِرَبِّ النَّاسِ- در این عبارت حرف جر و مجرور به حرف و به اضافه چیست؟

بـ: از حروف جاره است.

رَبِ: مجرور به بـ می‌باشد.

رَبّ: مضاف است.

النّاس- مضاف الیه است.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس پنجم: علامت رفع مرفوعات

س۱ـ علامت رفع چیست؟

ج۱ـ علامت رفع در اصل همان ضمه ـُـ است ولی گاهی الف گاهی واو هم می‌باشد. پس علامت رفع سه تا است.

۱ـ ـُـ ضمه ۲ـ الف ۳ـ واو

س۲ـ این علائم رفع در چه اسم‌هائی می‌آیند؟

ضمه ـٌـ در اسم مفرد ـ جمع مکسر ـ جمع مونث سالم- اسم مفرد- زیدٌ و جمع مونث سالم **اَلمسلماتُ**.

الف: در مثنی مانند: مسلِمانِ

واو در جمع مذکر سالم و اسماء شش گانه (**ابوهُ ـ اخوه ـ حَموها ـ فوهُ ـ ذومالِ و هَنْ**)

علامت رفع:
- ۱- ضمه ـُـ
  - ۱- در اسم مفرد مانند: **رَجُلٌ**
  - ۲- در جمع مؤنث سالم مانند: **اَلمسلمات**
  - ۳- در جمع مکسر مانند: **رِجالٌ**
- ۲- الف- در مثنی مانند: مسلِمانِ
- ۳- واو
  - ۱- در جمع مذکر سالم مانند: **مسلِمونَ**
  - ۲- و در اسماء شش‌گانه (**ابوهُ – حَموهُ- اَخوهُ- فوهُ- ذومالٍ- هَنوه**)

س۳ـ مرفوعات چند تا هستند؟

ج۳- مرفوعات یعنی اسامی‌که مرفوع هستند، ۹ تا اسم هستند

مرفوعات

۱- فاعل مانند: جاءَ زیدٌ = زید فاعل و مرفوع است
۲- نائب الفاعل مانند: — ضُرِبَ زیدٌ — زید نائب الفاعل
۳- مبتدا مانند لهُ= هو مبتداء
۴- خبر مانند: = زیدٌ قائمٌ- زید مبتدا قائم خبر هر دو مرفوع‌اند
۵- اسم کانَ مانند: — کانَ اللهُ = الله اسم کان
۶- اسم کادَ مانند- کادَ الفَقرُ — فَقرُ اسم کادَ
۷- اسم ماء ولاء که شبیه به لَیْسَ هستند مانند- لَیْسَ الاِنسانُ
۸- خبر اِنّ- مانند: اِنَّ اللهَ غَفُورٌ- غفور خبر اِنّ.
۹- خبر لا نفی جنس مانند: — لا رَجُلَ موجودٌ

خصوصیات مرفوعات

۱ـ فاعل اسمی است که بعد از فعل معلوم می‌آید **ضَرَبَ زید**
۲ـ نائب الفاعل بعد از فعل مجهول می‌آید **ضُرِبَ زیدٌ**
۳ـ مبتداء در اول کلام می‌آید **زیدٌ قائم**
۴ـ خبر نسبتی است که به مبتداءداده می‌شود **زید جالِس**
۵ـ اسم کان مانند: **کانَ زیدٌ**
۶ـ اسم کان مانند: **کادَالفقرُ**
۷ـ اسم ماء **ولاءو ان لیسَ الانسانُ**
۸ـ خبر **اِنَّ اِنَّ اللهَ علیم**
۹ـ خبر **لا نفی جنس لاَرَجُلَ موَجودٌ**

س۴ـ فاعل چیست و بر چند قسم است؟

ج۴ـ فاعل اسم مرفوعی است که بعد از فعل معلومی می‌آید و فعل به او نسبت داده می‌شود.

مانند: **کَتَبَ عَلِیٌّ** ـ نوشتن به علی نسبت داده می‌شود. علی فاعل است.

فاعل بر دو قسم است.

۱ـ اسم ظاهر

۲ـ ضمیر یا بارز است یا مستتر

فاعل

۱ـ اسم ظاهر مانند: **كَتَبَ عَلِيٌّ**

۲ـ ضمیر بارز مانند: **ضَرَبَا** که الف فاعل است

۳ـ ضمیر مستتر مانند: **ضَرَبَ** که هُوَ در او مستتر است

فاعل بر دو قسم است
- ۱- اسم ظاهر مانند: — **كَتَبَ عَلِيٌّ** = علی فاعل است و اسم ظاهر
- ۲- ضمیر
  - ۱- بارز: یعنی آشکار مانند **ضَرَبَا** که الف فاعل است و ضمیر و آشکارا آمده
  - ۲- مستتر: یعنی پنهان مانند: **عَلِيٌّ ضَرَبَ**- که هُوَ در او مستتر است.

خود آزمایی:

س۱ـ علامت رفع عبارت است از ....

الف: ضمه ـ الف ـ واو　　　　ب: ضمه ـ فتحه ـ واو

ج: واو ـ الف ـ نون　　　　د: نون ـ واو ـ ضمه

س۲ـ ضمه دراین...................اسمها علامت رفع است.

الف: اسم مفرد ـ تثنیه ـ جمع　　ب: اسم مفرد ـ جمع مکسر ـ مونث سالم

ج: جمع مونث ـ جمع مذکر ـ جمع مکسّر　　د: اسم مفرد ـ جمع مذکر سالم

س۳ـ واو در این ....اسمها علامت رفع است.

الف: مثنی ـ جمع مکسر ـ جمع مونث

ب: جمع مذکر سالم ـ جمع مکسر ـ اسماء ستّه

ج: اسماء ستّه ـ جمع مذکر سالم

د: جمع مذکر سالم ـ اولو ـ جمع مونث سالم

س۴ـ فاعل چه اسمی است؟

الف: اسم مرفوعی است که بعد از فعل معلوم می‌آید.

ب: اسم مرفوعی است که قبل از معلوم می‌آید و فعل به او نسبت داده می‌شود

ج: اسم مرفوعی است که بعد از فعل مجهول می‌آید.

د: اسم مرفوعی است که بعد از فعل معلوم می‌آید و فعل به او نسبت داده می‌شود.

س۵: فاعل بر چند قسم است؟

الف: فاعل بر دو قسم است　　　ب: فاعل بر چهار قسم است

ج: فاعل بر یک قسم است　　　د: فاعل بر سه قسم است

خلاصه درس ۵

۱ـ علامت رفع سه تا است　۱ـ واو ۲ـ الف ۳ـ ضمه

۲ـ ضمه د راسمهای ۱ـ مفرد ۲ـ جمع مکسّر ۳ـ جمع مونث سالم

۳ـ الف: در مثنّی

۴ـ واو ـ در ۱ـ جمع مذکر سالم ۲ـ اسماء شش گانه

۵ـ اسماء مرفوع ۱ـ فاعل ۲ـ ثابت الفاعل ۳ـ مبتدا ۴ـ خبر ۵ـ اسم کان ۶ـ اسم کاد ۷ـ خبر اِنّ ۸ـ جبر لاء نفی جنس

بسم الله الرحمن الرحیم

درس ششم: ضمائر

س۱ـ ضمائری که فاعل قرار میگیرند بر چند قسم هستند؟

ج۱ـ ضمائر فاعلی بر دو قسم هستند:

۱ـ بارز (آشکار)

۲ـ مستتر (پنهان

س۲ـ ضمائر بارز و مستتر چند تا هستند؟

ج۲ـ ضمائربارز یازده تا هستند همان ضمائریکه در آخر فعل می‌آیند

(ا) ـ (و) ـ (ن) ـ (تَ) ـ (تِ) ـ (تُ) ـ (تُما) ـ (تُم) ـ (تُن) ـ (ناء) ـ (ی)

و ضمائر مستتر ۷ تا هستند: (هو) ـ (هی) ـ (أنتَ) ـ (أنا) ـ (نَحنُ)

ضمائر مستتر:

۱- هُوَ در ضَرَبَ و یَضرِبُ

۲- أنتَ در تَضْرِبُ و اِضْرِبْ

۳- نَحْنُ در نَضْرِبُ

۴- أنا در نَضْرِبُ

۵- هِیَ در ضَرَبَتْ و تَضْرِبُ

س۳ـ ضمائر بر چند قسم هستند؟

ج۳- ضمائر بر دو قسم متصل و منفصل

ضمیر متصل بدنبال کلمه می‌پیوندد و منفصل جدای از کلمه است و جمله با آن شروع می‌شود.

س۴ـ ضمائرمتصل منصوب به چه کلمه ای متصل می‌شود؟

ج۴ـ ضمائر متصل منصوب به فعل متصل می‌شود و به این‌ها ضمیر مفعولی می‌گویند.

ضمائر متصل به فعل:

۱ـ هُـ (أَخَذَهُ) مفرد مذکّر غایب
۲ـ هُما (أَخَذَ هما) مثنی مذکر غایب
۳- هُم (أَخَذَهُم) جمع مذکر غایب
۴-ها (أَخَذَها) مفرد مؤنث غایب
۵- هُما (أَخَذَهما) مثنی مؤنث غایب
۶- هُنَّ (أَخَذَ هُنَّ) جمع مؤنث غایب
۷- کَ (أَخَذَکَ) مفرد مذکر حاضر
۸- کُما (أَخَذَ کُما) مثنی مذکرّ حاضر
۹- کُم (أَخَذَکُم) جمع مذکر حاضر
۱۰- کِ (أَخَذَکِ) مفرد مؤنث حاضر
۱۱- کُما (أَخَذَ کُما) مثنی مؤنث حاضر
۱۲- کُنَّ (أَخَذَ کُنَّ) جمع مؤنث حاضر
۱۳- ی (أَخَذَنی) متکلم وحده
۱۴- نا (أَخَذَنا) متکلم مع الغیر

س۵ـ ضمائر متصل مجرو ربه چه کلمه ای متصل می‌شود؟

ج۵ـ ضمائر متصل مجرور هم به اسم و هم به حرف متصل می‌شوند. به اسم اگر متصل شوند جرشان به اضافه است و اگر به حرف جّر متصل شوند جّرشان بحرف خواهد بود.

ضمائر متصل مجرور به اسم و حرف:

۱- هُـ = به اسم (كِتابُهُ) به حرف (اِلَيْهِ)
۲- هُما= به اسم (كِتابَهُما) به حرف (اِلَيْهِما)
۳- هُمْ = به اسم (كِتابُهم) به حرف (اِلَيْهِمْ)
۴- لها= به اسم (كِتابهُما) به حرف (اِلَيْها)
۵- هُما= به اسم (كتابهما) به حرف اِلَيْهُما)
۶- هُنَّ= به اسم (كتابَهُنَّ) به حرف (اِلَيْهِنَّ)
۷- كَ= به اسم (كِتابُكَ) به حرف (اِلَيْكَ)
۸- كُما = به اسم (كِتابَكُما) به حرف (اِلَيْكُما)
۹- كُمْ= به اسم (كِتابَكُم) به حرف (اِلَيْكُمْ)
۱۰- كِ= به اسم (كِتابُكِ) به حرف (اِلَيْكِ)
۱۱- كُما= به اسم (كِتابكُما) به حرف (اِلَيْكُما)
۱۲- كُنَّ = به اسم (كتابكُنَّ) به حرف (اِلَيكُنَّ)
۱۳- ى= به اسم (كتابى) به حرف (اِلَىَّ)
۱۴- نا= به اسم (كتابنا) به حرف (اِلَيْنا)

س۶- ضمیر متّصل و ضمیر منفصل را تعریف کنید؟

ج۶- ۱ـ ضمیر متصل باید در تلفظ به کلمه ای بپیوندد

ج۶- ۲ـ ضمیر منفصل جدا می‌آید و جمله با آن شروع می‌شود

س۷- ضمیر متصل بر چند قسم است؟

ج۷- ضمیر متصل بر سه قسم است

۱ـ ضمیر متصل مرفوع این ضمیر همیشه به فعل متصل است

۲ـ ضمیر متصل منصوب این ضمیر هَم به فعل متصل می‌شود

۳ـ ضمیر متصل مجرور این ضمیر به اسم و حرف متصل می‌شود

س۸ـ ضمیر منفصل بر چند قسم است؟

ج۸ ـ ضمیر منفصل بر دو قسم است، ضمیر منفصل مرفوع و ضمیر منفصل منصوب

س۹ـ ضمائر منفصل مرفوع و منصوب را نام ببرید؟

ج۹ـ ضمائر منفصل مرفوع عبارت‌اند از:

هُوَ ـ هُما ـ هُم ـ هیَ ـ هُما ـ هُنَّ

اَنتَ ـ اَنتُما ـ اَنتُم ـ اَنتِ ـ اَنتُما ـ اَنتُنَّ ـ اَنا ـ نَحنُ

ضمائر منفصل منصوب عبارت انداز:

اِیاهُ ـ اِیاهما ـ اِیا هُم = اِیاها ـ اِیاهُما ـ اِیاهُنَّ

اِیاکَ ـ اِیاکُما ـ اِیا کُم = اِیاکِ ـ اِیکُما ـ اِیاکُنَّ ـ اِیا ی ـ اِیاّ نا

ضمیر منفصل بر دو قسم است:
- ۱- ضمیر منفصل مرفوع
- ۲- ضمیر منفصل منصوب

ضمائر منفصل مرفوع:

۱ـ هُوَ
۲- هُما
۳- هُمْ
۴- هی
۵- هُما
۶- هُنَّ
۷- أنْتَ
۸- أنْتما
۹- أنْتُم
۱۰- أنْتِ
۱۱- أنْتُما
۱۲- أنْتُنَّ
۱۳- أنا
۱۴- نَحن

ضمائر منفصل منصوب:

۱- اِیّاهُ
۲- اِیّاهُما
۳- ایّاهُم
۴- ایّاها
۵- ایّاهُما
۶- ایّاهُنَّ
۷- ایّاکَ
۸- ایّاکُما
۹- ایّاکُم
۱۰- ایّاکِ
۱۱- ایّاکُما
۱۲- ایّاکُنَّ
۱۳- ایّایَ
۱۴- ایّانا

س۱۰ـ ضمائر متصل مرفوع به چه فعلی متصل می‌شود؟

ج۱۰ـ ضمائر متصل مرفوع به فعل معلوم و به فعل مجهول متصل می‌شود و به این‌ها ضمیر فاعلی هم می‌گویند.

ضمائر متصل مرفوع:

۱ـ الف (۱) در مثنی **ضَرَبا ـ ضَرَبتا ـ يَضرِبانِ ـ تضرِبانِ**
۲ـ واو (و) در جمع مذکر ضَرَبُوا ـ **يَضرِبُونَ ـ تَضرِبُونَ**
۳ـ نون (ن) در جمع مونث **ضَرَبنَ ـ تَضرِبنَ ـ يَضرِبنَ**
۴ـ ياء (ی) برای مفرد مونث مخاطب **تَضرِبِينَ**
۵ـ (تَ) برای مفرد مذکر مخاطب **ضَرَبتَ**
۶ـ (تِ) برای مفرد مونث مخاطب **ضَرَبتِ**
۷ـ (تُما) برای مثنی مخاطب مذکر و مونث **ضَرَبتُما**
۸ـ (تُمْ) برای جمع مذکر مخاطب **ضَرَبتُم**
۹ـ (تُنَّ) برای جمع مونث مخاطب **ضَرَبتُنَّ**
۱۰ـ (تُ) برای متکلم وحده **ضَرَبتُ**
۱۱ـ (تا) برای متکلم مع الغير **ضَرَبنا**

ضمير متّصل:

۱- ضمير متّصل مرفوع اين ضمير هميشه به فعل متّصل می‌شود.
۲- ضمير متّصل مجرور-اين ضمير هم به حرف و هم به اسم متّصل می‌شود.
۳- ضمير متّصل منصوب اين ضمير به فعل متّصل می‌شود.

شرائط فعل و فاعل

۱ـ اگر فاعل مذکر باشد فعل هم مذکر خواهد بود مانند (**نَصَرَعَلِیٌ**)
۲ـ اگر فاعل مونث حقیقی باشد فعل هم مونث خواهد بود (**نَصَرَت فاطِمَة**)
۳ـ اگر فاعل مونث مجازی و اسم ظاهر باشد می‌توان فعل را هم مذکر و هم مونث آورد مانند طَلَعَ الشَمس یا طَلَعتُ الشَمس)
۴ـ اگر فاعل اسم ظاهر باشد فعل همیشه مفرد است
۵ـ اگر فاعل جمع مکسر باشد فعل به‌صورت مفرد مونث می‌آید
۶ـ اگر فاعل ضمیر باشد با اسمی که قبل از آن آمده مطابقت دارد

شرائط فعل و نائب فاعل

۱- اگر نائب فاعل مذکر باشد فعل هم مذکر خواهد بود مانند (**ضُرِبَ عَلِیٌ**)
۲- اگر نائب فاعل مؤنث حقیقی باشد فعل هم مؤنث حقیقی خواهد بود (**ضُرِبَتْ فاطِمَةُ**)
۳- اگر نائب فاعل مؤنث مجازی باشد فعل هم مؤنث و هم مذکر می‌آید، مانند: (**ضُرِبَتْ فاطِمَةُ**)
۴- اگر نائب الفاعل اسم ظاهر باشد فعل همیشه مفرد است، مانند: (**ضُرِبَ زیْدٌ**)
۵- اگر نائب فاعل جمع مکسر باشد فعل مفرد می‌آید، مانند: (ضُرِب رجالٌ)
۶- اگر نائب فاعل ضمیر باشد فعل با اسمی که قبل از آن آمده مطابقت دارد، یعنی اگر نائب الفاعل مفرد باشد، فعل هم مفرد خواهد بود.

س۷ـ ضمیر منفصل مرفوع و منفصل منصوب چه موقعیتی دارند؟

ج۷ـ مرفوع نوعاً مبتداء واقع می‌شود و منصوب مفعول.

ضمیر متصل مرفوع:

۱ـ **هُوَ** مفرد مذکّر غایب
۲ـ **هُما** مثنی مذکّر غایب
۳ـ **هُم** جمع مذکّر غایب
۴ـ **هِیَ** مفرد مونث غایب
۵ـ **هُما** مثنی مونث غایب
۶ـ **هُنَّ** جمع مونث غایب
۷ـ **أنتَ** مفرد مذکّر مخاطب
۸ـ **أنتُما** مثنی مذگر مخاطب
۹ـ **أنتُم** جمع مذکّر مخاطب
۱۰ـ **أنتِ** مفرد مونث مخاطب
۱۱ـ **أنتُما** مثنی مونث مخاطب
۱۲ـ **أنتُنَّ** جمع مونث مخاطب
۱۳ـ **أنَا** متکلم وحده
۱۴ـ **نَحنُ** متکلم مع الغیر

ضمائر منفصل منصوب:

۱ـ اِیّاهُ مفرد مذکّر غایب
۲ـ اِیّاهُما مثنی مذکّر غایب
۳ـ اِیّاهُم جمع مذکر غایب
۴ـ اِیّاها مفرد مونث غایب
۵ـ اِیّاهُما مثنی مونث غایب
۶ـ اِیّا هُنَّ جمع مونث غایب
۷ـ اِیّاکَ مفرد مذکر مخاطب
۸ـ اِیّا کُما مثنی مذکر مخاطب
۹ـ اِیّاکُم جمع مذکر مخا طب
۱۰ـ اِیّاکِ مفرد مونث مخاطب
۱۱ـ اِیّا کُما مثنی مونث مخاطب
۱۲ـ اِیّا کُنَّ جمع مونث مخاطب
۱۳ـ اِیّایَ متکلم وحده
۱۴ـ اِیّانا

ضمائر بارز:
- ۱ـ الف در **ضَرَبا**
- ۲ـ واو در **ضَرَبُوا**
- ۳ـ نون در **ضَرَبنَ**
- ۴ـ تَ در **ضَرَبتَ**
- ۵ـ تُما در **ضَرَبتُما ـ ضَرَبتُما**
- ۶ـ تُم در **ضَرَبتُم**
- ۷ـ تِ در **ضَرَبتِ**
- ۸ـ تُنَّ در **ضَرَبتُنَّ**
- ۹ـ تُ در **ضَرَبتُ**
- ۱۰ـ نا در **ضَرَبنا**
- ۱۱ـ ی در **تَضرِبِنَّ**

خود را بیازمایید

۱ـ هر فعلی لابد و لا محاله باید دارای.........................باشد.

الف: فاعل. ب: فاعل و مفعول.

ج: مفعول. د: فاعلیکه اسم ظاهر باشد.

۲ـ ضمائری که فاعل قرار می‌گیرند بر............ قسم‌اند و عبارتند از..................

الف: بر دو قسم بارز و مستتر ب: دو قسم متصل و منفصل

ج: بر دو قسم منصوب و مرفوع د: بر ۳ قسم متصل ـ منفصل ـ مرفوع

۳ـ ضمائر بارز و ضنائر مستتر جند تا هستند؟

الف: بارز ۷ مستتر ۱۱تا ب: بارز ۷۲ مستتر ۳

ج: بارز ۱۱ تا مستتر ۷ د: بارز ۱۱تا مستتر ۹ تا

۴ـ د رچه موقع فعل به حالت مغرد می‌آید؟

الف: هر گاه فاعل ضمیر مستتر باشد. ب: هر گاه فاعل ضمیر بارز باشد.

ج: هر گاه فاعل اسم ظاهر باشد. د: فعل با مفعول مطابقت دارد.

۵ـ هر گاه فاعل ضمیر باشد فعل یا..................دارد؟

الف: فعل با فاعل مطابقت دارد. ب: فعل با اسمی که قبل از آن آمده مطابقت دارد.

ج: فعل با ضمیر مطابقت دارد. د: فعل با مفعول مطابقت دارد.

۶ـ نائب الفاعل بعد از چه فعلی می‌آید و اعراب آن چیست؟

الف: بعد از فعل مجهول و مرفوع است. ب: بعد از فعل مجهول و منصوب است.

ج: بعد از فعل معلوم و مرفوع است. د: بعد از فعل معتدی و مجرور است.

۷ـ ضمائریکه فاعل قرار می‌گیرند عبارت‌اند از........................

الف: بارز ـ مستتر ب: منفصل و متصل

ج: مجرور ـ مرفوع د: مرفوع ومنصوب

۸ـ ضمائر بارز بر......................است.

الف: ۷ نوع ب: یازده نوع ج: هشت نوع د: دو نوع

۹ـ ضمائر متصل منصوب به....................متصل می‌شوند.

الف: به اسم ب: به فاعل ج: به فعل د: به حرف

۱۰ـ ضمائر متصل مجرور به...........و......... متصل می‌شوند.و

الف: به اسم وفعل ب: به فعل و حرف

ج: به حرف و فاعل د: به اسم وحرف

۱۱ـ ضمائر منفصل چند حالت دارند.

الف: دو حالت منصوب و مرفوع ب: یک حالت مرفوع

ج: به سه حالت مرفوع ـ منصوب ـ مجرور د: یک حالت منصوب

خلاصه درس ششم

۱ـ ضمائر فاعلی بر دو قسم‌اند ۱ـ بارز (آشکار) ۲ـ مستتر (پنهان)

۲ـ ضمائر بارز یازده تا هستند. (همان ضمائریکه به آخر فعل می‌آیند)

۳ـ ضمائر مستتر هفتا هستند.

۴ـ ضمائر متصل منصوب به فعل متصل می‌شوند و ضمائر مفعولی هستند.

۵ـ ضمائر متصل مجرور هم به اسم متصل می‌شوند هم به حرف.

۶ـ ضمائر منفصل بر دو قسم‌اند ۱ـ مرفوع ۲ـ منصوب.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس هفتم

س۱ـ مبتدا ء یعنی چه؟

ج۱ـ مبتداء اسم مرفوعی است که در ابتدا ءجمله واقع شود و خبری به آن نسبت داده شود

مانند: **سعیدٌ عالِمٌ**، سعید مبتداء، عالم خبر مبتدا.

س۲ـ خبر چیست؟

ج۲ـ خبر همان نسبتی است که به مبتداء داده شده.

مانند: عالِمٌ در مثال بالا که به سعید نسبت داده شده.

س۳ـ جمله یعنی چه؟

ج۳ـ جمله مرکب است از اسم و فعل یا دو اسم.

س۴ـ جمله بر چند قسم است؟

ج۴ـ جمله بر دو قسم است: ۱ـ اسمیه جمله ایست که با اسم شروع شود. (**عَلِیٌّ ذَهَبَ إلی المدرِسةِ**) که این جمله با اسم شروع شد.

۲ـ و جمله فعلیه: جمله ایست که با فعل شروع شود. (**جاءَ الحَقُّ**)

جمله:
- ۱- جمله اسمیه = جمله ایست که با اسم شروع شود
  مانند: **عَلِیٌّ ذَهَبَ**
- ۲- جمله فعلیه = جمله ایست که با فعل شروع شود
  مانند: **جاءَ الحَقُّ**

س۵ـ جمله اسمیه از چه چیز تشکیل می‌شود؟

ج۵ـ جمله اسمیه همیشه از مبتداء و خبر تشکیل می‌شود.

س۶ـ شبه جمله چیست؟

ج۶ـ شبه جمله عبارتست از یک اسم و ظرف یا جار و مجرور.

ظرف: مانند: **رَجُلٌ تَحتَ الشجرةِ.**

جارو مجرور مانند: **رَجُلٌ فيِ الدّار.**

س۷ـ ویژگیهای مبتدا ء و خبر را نام ببرید؟

ج۷ـ ویژکیهای مبتدا ء عبارت‌اند از:

الف: مبتداء معمولاً معرفه است.

ب: مبتداء غالباً مقدم است.

ج: مبتداء همیشه مرفوع است.

ج۷: ویژگیهای خبر عبارت‌اند از:

الف: خبر معمولاً نکره است.

ب: خبر غالباً مؤخر است.

ج: خبر همیشه مرفوع است.

ویژگی‌های مبتداء:
- ۱- معمولاً مبتداء معرفه است، مانند: **سَعیدٌ عالِمٌ**
- ۲- مبتداء غالباً مقدم است
- ۳- مبتدائ همیشه مرفوع است.

س۸ـ بطور کلی خبر بر چند قسم است؟

ج۸ـ خبر بر سه قسم است:

الف: مفرد:

ب: جمله:

ج: شبه جمله:

که هر یک از این‌ها بر دو قسم است

مفرد:
- ۱ـ مشتق = مانند: **سعیدٌ عالِم**
- ۲ـ جامد = مانند: **سعیدٌ أسَدٌ**

جمله:
- ۱ـ اسمیه = مانند: **سعیدٌ أَخُوهُ عالِم**
- ۲ـ فعلیه = مانند: **سعیدٌ ذَهَبَ اِلی المدرسَة**

شبه جمله:
- ۱ـ جارو مجرور مانند: **سعیدٌ فیِ المدرسة**
- ۲ـ ظرف: مانند: سعیدٌ **تَحتَ الشّجرة**

ویژگی‌های خبر:
- ۱- خبر معمولاً نکره است
- ۲- خبر غالباً مؤخر از مبتداء است
- ۳- خبر همیشه مرفوع است

س۹ـ در چند مورد خبر بر مبتدا ء مقدم می‌شود؟

ج۹ـ اصل این است که مبتداء مقدم باشد ولی در دو مورد خبر وجوباً مقدم می‌شود بر مبتداء

۱ـ هنگامیکه خبر ظرف باشد یا جارو مجرور

خبر مقدم جار و مجرور مانند: **فی الدّارِ رَجلٌ**

مانند: **تحت الشَّجرةِ رَجُلٌ** (خبر مقدم ظرف) .

۲ـ خبر از اسماء استفهام باشد

مانند: **کَیفَ حالُک** خبر مقدم اسم استفهام

اقسام خبر:
- ۱- مفرد
  - ۱- جامد مانند: **سعیدٌ اَسَدٌ**
  - ۲- مشتق مانند: **سعیدٌ عالِمٌ**
- ۲- جمله
  - ۱- اسمیه مانند: **علیٌ اَخوهُ عالِمٌ**
  - ۲- فعلیه مانند: **سعیدٌ ذَهَب الَی المدرسة**
- ۳- شبه جمله
  - ۱- جار و مجرور مانند: **عَلیٌّ فِی الدّارِ**
  - ۲- ظرف مانند: **سعیدٌ تَحتَ الشَجَرَة**

مراحل تقدیم خبر:
- ۱- اگر خبر ظرف باشد مانند = **تَحتَ الشّجرة رَجُل**
- ۲- اگر خبر جار و مجرور باشد مانند فی **الدّار رَجُل**
- ۳- اگر خبر از اسماء استفهام باشد مانند **کَیفَ حالک.**

س۱۰ـ آیا می‌شود مبتداء یا خبر را حذف نمود؟

ج۱۰ـ بلی هر گاه نشانه و قرینه ای د رکلام باشد ممکن است مبتداء یا خبر حذف شود.

حذف مبتدا کیف حالک ، د رجواب می‌گوئی، جَیِّدٌ خوبم

در این مثال مبتداء حذف شده. اصلش بوده حالی جَیّدٌ

حذف خبر: کسی که سوال می‌کند، من عِندَکَ؟ چه کسی نزد توست

در جواب می‌گوئی عَلِیٌّ د راین مثال خبر حذف شده

اصلش بوده عَلِیٌّ عِندیِ

خود را بیا زمائید

س۱ـ اصل در مبتداء این است که..................باشد.

الف: در مبتداء باشد ب: نکره باشد ج: علم باشد د: فاعل با شد

موارد تقدم خبر:

۱- اگر خبر ظرف باشد مانند: تَحتَ الشّجرةِ عَلِیٌ

۲- اگر جز جار و مجرور باشد فِی الدّارَ جُلٌ

۳- اگر خبر از اسماء استفهام باشد کَیفَ حالکَ

س۲ـ اصل در خبر این است که..................

الف: جمله باشد ب: معرفه باشد ج: قبل از مبتداء باشد د: نکره و مؤخر باشد

س۳ـ خبر همان...........

الف: نسبتی است که به فاعل داده شده. ب: نسبتی است که به فعل داده شده

ج: نسبتی است که به مبتداء داده شده د: نسبتی است که به اسم بعدی داده شده

س۴ـ انواع خبر عبارتست از...................

الف: جمله فعلیه، جمله اسمیه، ظرف ب: جارو مجرور، ظرف، مفرد
ج: جمله اسمیه، مشتق، جامد د: مفرد ، جمله، شبه جمله
س۵: جمله اسمیه تشکیل می‌شود از..............
الف: فعل و اسم ب: اسن و فعل ج: مبتداء و خبر د: از مبتداء و فاعل

خلاصه درس هفتم

۱ـ مبتداء اسم مرفوعی است که در ابتداء جمله واقع می‌شود و خبر را به آن نسبت می‌دهند.
۲ـ خبر همان نسبتی است که به مبتداء می‌دهند.
۳ـ جمله بر دو قسم است جمله اسمیه و جمله فعلیه.
۴ـ جمله اسمیه با اسم شروع می‌شود و جمله فعلیه با فعل.
۵ـ شبه جمله عبارت است از ظرف و جا ر و مجرور.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس هشتم

س۱ـ نواسخ یعنی چه؟

ج۱ـ نواسخ جمع نا سخ است یعنی لغو کننده، باطل کننده و در اصطلاح نواسخ به کلماتی گویند که بر سر مبتداء و خبر وارد می‌شوند و اعراب آنها را لغو می‌کند و خودشان اعراب و عنوان جدید به آنها می‌دهند.

مانند: **عَلِیٌّ عالِمٌ** متبداء و خبر هستند وقتی کانَ که یکی از نواسخ است بر سر مبتداء و خبر وارد می‌شود عنوان و اعراب آنها را تغییر می‌دهد.

کانَ عَلِیٌ عالماً کانَ افعال ناقصه از نواسخ **علیٌ اسم کانَ** و مرفوع **عالماً** منصوب خبر کان است.

س۲ـ نواسخ و اقسام آن را بیان کنید؟

ج۲ـ نواسخ پنج تا هستند و بر دو نوع‌اند.

۱ـ افعال ناقصه

۲ـ افعال مقاربه

۳ـ حروف مشبهه به لیس

این سه تا رفع به اسم می‌دهند و نصب به خبر

۴ـ حروف مشبهه بالفعل

۵ـ لاء نفی جنس

این دو تا نصب به اسم می‌دهند و رفع به خبر

نواسخ:
- ۱- افعال ناقصه
- ۲- افعال مقاربه
- ۳- حرفو مشبهه به لَیسَ

این سه رفع به اسم می‌دهند و نصب به جر

- ۴- حروف مشبهه بالفعل
- ۵- لاء نفی جنس

این دو تا نصب به اسم می‌دهند و رفع به جر

س۳ـ افعال ناقصه چه عملی انجام می‌دهند و چند تا هستند؟

ج۳ـ افعال ناقصه رفع به اسم و نصب به خبر می‌دهند و سیزده تا هستند

کانَ (بود) **صارَ** (شد) **لَیس** (نیست) **اَصبَحَ** (شد ـ گردید) أمسی (شد - هنگام ظهر)

ظَلَّ (شد ـ در طول روز) **باتَ** (شد در طول شب)

مازالَ ـ ما بَرَحَ ـ ما انفَکَّ ـ مافتی (همیشه ـ پیوسته بود)

س۴ـ چرا به این افعال افعال ناقصه گویند؟

ج۴ـ وجه تسمیه این افعال به ناقصه ناقص صرف شدن این افعال است

بعضی از این افعال فقط ماضی دارند مضارع و امر ندارند بعضی از این افعال وقتی مجزوم می‌شوند حرف اصلی ساقط می‌شود مانند: **لَم یَکُ** که بوده **لَمْ یَکُن** ← نون افتاده

نواسخ:

۱ـ افعال ناقصه رفع به اسم ـ نصب به خبر،
مانند: **کانَ زیدٌ عالماً**

۲ـ افعال مقاربه رفع به اسم ـ نصب به خبر،
مانند: **کادَ الفقرُ اَن یکونَ کُفراً**

۳ـ حروف مشبهه به لیس رفع به اسم ـ نصب به خبر،
مانند: **لَیسَ العبدُ زاهداً**

۴ـ حروف مشبهه با الفعل نصب به اسم ـ رفع به خبر،
مانند: **اِنَّ اللهَ کانَ حلیماً**

۵ـ لاء نفی جنس نصب به اسم ـ رفع به خبر،
مانند: **لا رَجلَ فِی الدّارِ**

س۵ـ آیا اسم این افعال ضمیر می‌آید؟

ج۵ـ گاهی اِسم این افعال ضمیر مستتر در خود فعل است.

مانند: **زیدٌ کانَ عادلاً** که زید مبتداء و کانَ از افعال ناقصه و هو اسم آن در او مستتر است

س۶ـ کدامیک از افعال ناقصه فقط ماضی آنها صرف می‌شود و مضارع و امر ندارند؟

ج۶ـ از افعال ناقصه لَیسَ و مادام فقط ماضی شان صرف می‌شود و مضارع و امر ندارند.

افعال ناقصه:

۱- کان (بود) کانَ رَسولُ اللهَ حَلیماً
۲- لَیسَ (نیست) لَیسَ المعاویهٔ مؤمناً
۳- صارَ (شد) صارَ الیَزیدُ فاجراً
۴- أصبَحَ (شد-گردید) أصبَحَ المون رَئوفاً
۵- باتَ (شب را به صبح رساند) باتَ الرَّجُل صَباحاً
۶- أمسی (در طول روز)
۷- ظَلَّ (شد در طول روز)
۸- ما أنفکَ (همیشه)
۹- ما بَرَحَ (همیشه)
۱۰- ما فَتی (همیشه)
۱۱- مازال (همیشه)

س۷ـ کدامیک از افعال ناقصه ماضی و مضارعشان صرف می‌شود؟

ج۷ـ از افعال ناقصه (ما بَرَحَ ـ ما زال ـ ما انفک ـ مافتیَ)

ماضی و مضارعشان صرف می‌شود و امر ندارند.

بقیه افعال ناقصه هم ماضی هم مضارع و هم امر دارند.

خود را بیازمایید

س۱ـ نواسخ عبارت‌اند از: ....

الف: افعال ناقصه ـ افعال مقاربه ـ ماء و لاء مشبهه به لیس ـ حروف مشبهه بالفعل ـ لاء نفی جنس

ب: افعال قلوب ـ فعل مضارع ـ خبر لاء نفی جنس ـ اسم کان ـ خبر ماء و لاء مشبهه به لیس

ج: اسم فعل ـ حروف جاره ـ حروف جازمه ـ اسماء شرط

د: هیچکدام

۲ـ نواسخ بر...............اند.

الف: برسه نوع ب: بر دو نوع ج: بر یک نوع د: چهار نوع

۳ـ افعال ناقصه را در کلمات زیر مشخص کنید؟

الف: کأنَّ ـ لَیتَ ـ کان ـ صارَ ب: کانَ ـ لیت ـ اِنَّ ـ مادام

ج: کان ـ مادام باتَ ـ ما فَتی ـ لَیسَ د: اِن ـ کانَ ـ مادام ـ کانَّ

س۴ـ عمل افعال ناقصه چیست؟

الف: رفع به خبر ـ نصب به اسم ب: رفع به فاعل ـ نصب به مفعول

ج: رفع به فعل ـ نصب به اسم ج: رفع به اسم ـ نصب به خبر

س۵ـ نواسخ لغتاً...............اصطلاحاً...............؟

الف: لغو کننده. کلماتی هستند که بر سر مبتداء و خبر میآیند و اعراب آنها را باطل می‌کند.

ب: کلماتی هستند که بر سر مبتداء و خبر می‌آیند ـ لغو کننده.

ج: کلماتی هستند که بر سر مبتداء و خبر می‌آیند و اعراب آنها را باطل می‌کند ـ لغو کننده

د: لغو کننده. اعراب مبتداء و خبر را ثابت نگه می‌دارد.

س۶ـ چرا به این افعال، افعال ناقصه گویند؟

الف: چون این‌ها ناقص‌اند ب: ناقص صرف می‌شوند.

ج: این‌ها ماضی ندارند د: این‌ها امر ندارند

خلاصه درس هشتم

۱ـ نواسخ بر سر مبتداء و خبر وارد می‌شوند و مبتداء را اسم و خبر را برای خود خبر می‌گیرند.

۲ـ نواسخ به دو دسته تقسیم می‌شوند.

دسته اوّل رفع به اسم می‌دهند و نصب به خبر.

دسته دوّم نصب به اسم می‌دهند و رفع به خبر

۳ـ افعال ناقصه ۱۳ تا هستند جزء، دسته اوّل هستند رفع به اسم و نصب به خبر می‌دهند.

۴ـ چرا به این افعال ناقصه می‌گویند چون که ناقص صرف می‌شوند.

درس نهم

س۱ـ ششم از مرفوعات را نام ببرید؟

ج۱ـ ششم از مرفوعات افعالَ مقاربه هستند.

س۲ـ افعال مقاربه چه عملی انجام می‌دهد؟

ج۲ـ افعال مقاربه رفع به اسم و نصب به خبر می‌دهند ـ بر سر مبتداء و خبر وارد می‌شوند

و مبتداء را اسم و خبر را خبر برای خود میگیرند.

س۳ـ افعال مقاربه چند تا است؟

ج۳ـ افعال مقاربه عبارت‌اند از: **کادَ، اَوشَکَّ، عَسی، حَری، إخلَولَقَ، طَفِقَ، جَعَلَ، شَرَعَ.**

س۴ـ افعال مقاربه از نظر معنا بر چند قسم است؟

ج۴ـ افعال مقاربه از نظر معنا بر سه قسم است

۱ـ نزدیک شد ـ **کَرُبَ ـ کادَ ـ اَو شکَ.**

۲ـ امید است ـ **عسَی ـ حَری ـ إخلَولَقَ.**

۳ـ شروع کرد ـ **طَفِقَ ـ جَعَلَ ـ شَرَعَ.**

افعال مقاربة		
	۱- کَرُبَ	نزدیک شد
	۲- کادَ	
	۳- اَوشکَ	
	۴- عَسی- امید است	امید است
	۵- حَری- امید است	
	۶- جَعَلَ- قرار داد	
	۷- شرَحَ- شروع کرد	شروع کردن
	۸- طَفِقَ- شروع کرد	
	۹- اِخلَو لَقَ- امید بست	

س۵ـ خبر افعال مقاربه معمولاً چگونه است؟

ج۵ـ معمولاً خبر افعال مقاربه فعل مضارع است و اکثر أ این فعل مضارع با أن می‌آید

مانند: **اِخلَو لَقَ المُذنِبُ اَن یَتوُ بَ**

که **یَتوبَ** فعل مضارع است و خبر **اِخلَو لَقَ** که با أن آمده

س۶ـ آیا افعال مقاربه ماضی و مضارع، هم دارند؟

ج۶ـ بعضی از این افعال ماضی و مضارع دارند و کامل صرف می‌شوند

مانند: **کادَ ـ یَکادُ ـ اوشَک ـ یُوشِک**

بعضی فقط ماضی دارند مانند: **عَسی**.

خود را بیازمایید:

۱ـ عمل افعال مقاربه.................به اسم.................به خبر است.

الف: نصب ـ رفع		ب: رفع به و ـ رفع

ج: رفع به نصب		د: نصب به نصب

س۲ـ افعال مقاربه با افعال ناقصه چه فرقی دارند؟

الف: معمولاً خبر افعال مقاربه فعل مضارع است با أن

ب: بدون أن.

ج: و اکثراً با أن.

د: معمولاً خبر افعال مقاربه فعل ماضی ا ست و اکثراً با أن

۳ـ افعال مقاربه از نظر معنا بر چند قسم است؟

الف)دو قسم	ب)سه قسم	ج)پنج قسم	د) چهار قسم

۴ـ خبر این جمله (کادَ الفقرُ أن یَکونَ کفراً) چیست؟

الف: أن یَکونَ	ب: کُفراً	ج: الفقر که مقدم شده	د: یَکونَ

خلاصه درس نهم

۱ـ ششم از مرفوعات اسم افعال مقاربه است.

۲ـ افعال مقاربه (کَرُبَ ـ أوشِک ـ عسی ـ حَری ـ اِخلَولَقَ ـ شَرعَ ـ طَفِق ـ جَعَلَ)

۳ـ خبر این افعال معمولاً فعل مضارع است که با أن می‌آید.

۴ـ بعضی از این افعال ماضی و مضارع دارند و کامل صرف می‌شوند.

۵ـ افعال مقاربه رفع به اسم و نصب به خبر می‌دهند.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس دهم

س۱ـ هفتم از مرفوعات چیست؟

ج۱ـ هفتم از مرفوعات: ما- لا- اِن، شبیه به لیسَ است.

س۲ـ چرا به این حروف مشبهه به لیس می‌گویند؟

ج۲ـ چون این حروف از نظر عمل و معنا شبیه به لیس هستند.

عمل = رفع به اسم و نصب به خبر مانند: لیس،

معنا = نیست = مانند: لیس

۳ـ در چه مواردی این حروف عمل نمی‌کنند؟

ج۳ـ این حروف در دو مورد عمل نمی‌کنند.

الف: اگر قبل از خبر این حروف کلمه اِلّا بیاید،

مانند: **ما محمدٌ اِلّا رسولٌ** که در اصل باید رسولاً باشد ولی چون بعد از اِلاّ آمده رسولٌ است.

ب: اگر خبر این حروف مقدم شود بر اسم آنها،

مانند: **اِن ظالِمٌ زیدٌ** که در اصل بوده **اِن زَیدٌ ظالِماً**.

حروف شبیه به لَیسَ:
- ۱- ما، مانند: **ما اللهٌ ظالِماً**
- ۲- لا، مانند: **لا فارِسٌ حباناً**
- ۳- اِن، مانند: **اِن هذا بَشَراً**

مواردی که این حروف عمل نمی‌کنند:
- ۱- اگر قبل از خبر این حروفَ اِلّا بیاید،
  مانند: **و ما محمدٌ اِلا رَسُولٌ**
- ۲- اگر خبر این حروف مقدم شود بر اسم آنها،
  مانند: **اِنْ ظالِمٌ زیدٌ**

خود را بیازمایید

۱ـ عمل حروف مشبهه به لیس چیست؟

الف: رفع به خبر ـ نصب به اسم　　ب: رفع به اسم ـ نصب به اسم

ج: رفع به فاعل ـ نصب به مفعول　　د: رفع به اسم و خبر

۲ـ حروف مشبهه به لیس در چند مورد عمل نمی‌کند

الف: در دو مورد　　ب: در چهار مورد　　ج: در یک مورد　　د: در سه مورد

۳ـ خبر در این جمله (ما محمدٌ اِلّا رسولٌ) چرا عمل نکرده؟

الف: چون بعد از اِلّا آمده　　ب: چون جمله منفی است

ج: چون رسول فاعل است　　د: هیچ کدام

خلاصه درس دهم

۱ـ هفتم از مرفوعات اسم ما و لا و اِن مشبهه به لیس است.

۲ـ این سه حرف از نظر عمل و معنا مثل لیس است.

۳ـ این حروف در دو مورد عمل نمی‌کنند

　۱ـ اگر قبل از خبر این حروف کلمه اِلّا بیاید.

　۲ـ اگر خبر این حروف مقدم شود بر اسم آنها

۴ـ ما ء و لاء مشبهه به لیس رفع به اسم و نصب به خبر می‌دهند.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس یازدهم

س۱ـ هشتم از مرفوعات را نام ببرید؟

ج۱ـ هشتم از مرفوعات حروف مشبهه بالفعل هستند.

س۲ـ این حروف چه عملی انجام می‌دهند؟

ج۲ـ این حروف بر سر مبتداء و خبر وارد می‌شوند و به عکس افعال ناقصه عمل می‌کنند.

یعنی نصب به اسم می‌دهند و رفع به خبر.

س۳ـ تعداد این حروف را نام ببرید؟

ج۳ـ این حروف شش حرف‌اند و عبارت‌اند از:

اِنَّ ـ أَنَّ ـ (همانا ـ بدرستیکه) ـ کانَّ (گویا ـ مثل اینکه)

لیتَ (ای کاش) ـ لکنَّ (ولیکن) ـ لَعَلَّ (شاید)

س۴ـ چرا به این حروف مُشبّهه بالفعل می‌گویند؟

ج۴ـ برای اینکه این حروف از چند جهت شبیه به فعل است.

الف: تعداد حروف: فعل دارای سه حرف و بیشتر است این حروف هم چنین هستند.

ب: شباهت به فعل ماضی دارند، چون ماضی مبنی بر فتح است این حروف هم مبنی بر فتح است.

ج: شباهت به فعل از حیث معنا ـ چون اِنَّ و أَنَّ به معنای حَقّقتُ است و............

د: شباهت آنها به فعل متعدی از حیث عمل.

حروف شبیه بالفعل:
- ۱- اِنَّ-اَنَّ (همانا- بدرستیکه)
- ۲- کَاَنَّ (گویا- مثل اینکه)
- ۳- لَیتَ (ای کاش)
- ۴- وَلکِنَّ (ولکِن)
- ۵- لَعَلَّ (شاید)

حروف شبیه به لَیسَ:
- ۱- شباهت عددیّه = یعنی فعل دارای سه حرف است، این حروف هم سه حرف دارند.
- ۲- شباهت بنائیّه = یعنی فعل ماضی و امر مبنی هستند این‌ها هم مبنی هستند.
- ۳- شباهت معنویّه = یعنی از نظر معنا هم مثل فعل‌اند به معنای حقّقت.
- ۴- عملیّه = یعنی مثل فعل عمل می‌کنند. اما فعل فاعل را مرفوع و مفعول را منصوب، و این حروف به اسم نصب می‌دهند و به خبر، رفع.

س۵ـ ماء کافه چه عملی انجام می‌دهد و یعنی چه؟

ج۵ـ ماء کافه باز دارندهٔ از عمل ـ اگر بعد از این حروف ماء کافه بیاید این حروف را از عمل باز می‌دارد و اسم و خبر بعد از آنها مبتداء و خبر محسوب می‌شوند.

مانند: **اِنّما المؤمنون اِخوةٌ**

اِنَ از حروف مشبهه بالفعل

ماء کافه ـ

مؤمنونَ مبتداءـ

اِخوةٌ، خبر ـ

س۶ـ فرق بین اِنَّ و اَنَّ در چیست؟

ج۶ـ اِنَّ با اسم و خبرش کلام تام است و تغییری در آن حاصل نمی‌شود.

اما أَنَّ معمول خود را تأویل به مصدر می‌برد و جمله ای که أَنَّ برآن وارد می‌شود در حکم مفرد است.

قبل از أَنَّ باید یکی از این موارد باشد:
- ۱- فعل باشد، مانند: **بَلَغَنی أَنَّ زیداً قائمٌ**
- ۲- اسم باشد، مانند: **حَقٌّ أَنَّ زیداً**
- ۳- ظرف باشد، مانند: **عندی أَنَّکَ قائمٌ**

س۷ـ در چند مورد إِنَّ مکسور می‌شود؟

ج۷ـ در یازده مورد

۱ـ در ابتدا = مانند **إِنَّ الله غَفورٌ رَحیم**

۲ـ بعد از موصول

۳ـ بعد از ماده قول

۴ـ بعد از قسم

۵ـ اگر بر خبرش لام بیاید

۶ـ بعد از **ثُم**

۷ـ بعد از کَلاّ

۸ـ بعد از امر

۹ـ بعد از نهی

۱۰ـ بعد از دعا

۱۱ـ بعد از نداء

در یازده مورد اِنّ مکسور می‌شود:

۱ـ در ابتدا مانند: **اِن الذَین امنوا**
۲ـ بعد از موصول مانند: **جانی الذی اِنَّ اباه عالِم**
۳ـ بعد از ماده قول مانند: **یَقولُ أنها بَقَرَة**
۴ـ بعد از قسم ـ **والعصر اِنَّ الانسانَ**
۵ـ در خبر آن لام باشد **اِنَکَّ لرَسُولُ الیه**
۶ـ بعد از ثُم ـ **ثُم اِنَ علینا بیانَه**
۷ـ بعد از کلّا ـ **کلّا اِنَّ الانسان**
۸ـ بعد از امر ـ **ذُق اِنَکَ أنتَ العزیز**
۹- بعد از نهی ـ **لاتَحزن اِن الله معنا**
۱۰ـ بعد از دعا ـ **رَبّنا اِنی آسکنتُ**
۱۱ـ بعد از ندا ـ **یا لُوطُ اِنا رُسلَ رَبّک**

خود را بیازمایید:

۱ـ حروف مشبهه بالفعل عبارت‌اند از:

الف: اِنّ ـ أنّ ـ لاء ـ ماء ـ لیت.　ب ـ ماء ـ لاء ـ اِن

ج: لیت ـ حیث ـ اِذ　د: اِ ن ـ اَنّ ـ کان ـ لیت ـ لکن ـ لَعَل

۲ـ حروف مشبهه بالفعل اسم را .... و خبر را .... می‌دهند.

الف: نصب و رفع　ب: نصب و نصب　ج: رفع و رفع　د: رفع و نصب

۳ـ ماء کافه یعنی چه؟

الف: ماء نافیه　ب: بازدارنده از عمل　ج: ماء شبیه به لیس　د: ماء زائده

۴ـ مؤمنون در عبارت (انما المؤمنونَ اخوةٌ) چه حکمی دارد؟

الف: منصوب و اسم اِ نّ

ب: مرفوع است خبر مقدم

ج: مرفوع است چون مبتداء است.

د: هیچ حکمی ندارد.

خلاصه درس یازده

۱ـ هشتم از مرفوعات خبر حروف مشبهه بالفعل است

۲ـ این حروف عبارت‌اند از ـ إنَّ ـ أنَّ ـ کا نَّ ـ لَیتَ ـ لکِنَّ ـ لَعَلَّ.

۳ـ این حروف از چهار جهت به فعل شبیه هستند.

۱ـ تعداد حروف

۲ـ مبنی بر فتح مثل فعل ماضی

۳ـ از نظر معنا

۴ـ از حیث عمل

۵ـ این حروف نصب به اسم و رفع به خبر می‌دهند.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس دوازدهم

س۱ـ لاء نفی جنس را تعریف کنید؟
ج۱ـ لاء نفی جنس حرفی است که بر سر اسم نکره در آمده و جنس آ نرا نفی می‌کند

س۲ـ لاء نفی جنس چه عملی انجام می‌دهد؟
ج۲ـ لاء نفی جنس مانند: حروف مشبهه بالفعل عمل می‌کند ـ نصب به اسم می‌دهد و رفع به خبر

س۳ـ یک مثال برای لاء نفی جنس بزنید.
ج۳ـ مانند: **لا رَبَّ غیرُ اللهِ.**
لا = لاء نفی جنس
رَبَّ = اسم لاء و نکره و منصوب
غیرُ = خبر لاء و مرفوع

س۴ـ اسم لاء نفی جنس اگر مفرد باشد چه خکمی خواهد داشت؟
ج۴ـ اگر مفرد باشد مبنی بر فتح خواهد بود
مانند: **لا دینَ لِمَن لا عَقْلَ لَه**
دین مفرد است اسم لاء است مبنی بر فتح است

س۵ـ اگر بعد از لاء نفی جنس حرف اِلّا بیاید چه تغییری در جمله بوجود می‌آید؟
ج۵ـ اگر بعد از لاءِ حرف اِلّا بیاید خبر لاء نفی جنس حذف می‌شود
مانند: **لا اِلهَ اِلّا اللهُ** که در اصل بوده **لا اِلهَ موجودٌ اِلّا الله** که موجود حذف شده

عمل لاء نفی جنس { ۱- نصب به اسم
۲- رفع به خبر }

مانند لا دینَ لِمن لا عَمل لَه= لاء لاء و نفی جنس دین اسم است.

خود را بیازمایید

۱ـ خبر در جمله (لا اِله اِلا الله) چیست؟

الف: الّا الله　　ب: موجودُ و مخدوف

ج: اِلا　　د: اِله و مقدم

۲ـ در جمله (من لا معاش لَه لا معا دَلّه) اسم لاء چیست؟

الف: معاش و معاد　　ب: لَهُ و لَه

ج: معاش ولَه　　د: من مقدم شده

۳ـ عمل لاء نفی جنس چیست؟

الف: نصب اسم و خبر　　ب: رفع به اسم و خبر

ج: رفع به اسم نصب به خبر　　د: نصب به اسم و رفع به خبر

۴ـ اگر بعد از اسم لاء حرف اِلّا بیاید چه حکمی دارد؟

الف: خبر حذف می‌شود　　ب: اسم حذف می‌شود

ج: خبر ضمیر خواهد بود　　د: خبر اسم ظاهر خواهد بود

خلاصه درس ۱۲

۱ـ لاء نفی جنس بر اسم نکره وارد می‌شود و جنس آن را نفی می‌کند

۲ـ لاء نفی جنس نصب به اسم و رفع به خبر می‌کند.

۳ـ اگر بعد از لاء نفی جنس اِلّا بیاید خبرش حذف می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سیزدهم

منصوبات:

س۱ـ منصوبات را نام ببرید؟

ج۱ـ منصوبات عبارت‌اند از: مفعول به ـ مفعول مطلق ـ مفعول معه ـ مفعول فیه ـ مفعول له ـ حال ـ تمیز ـ مستثنی

س۲ـ علامت نصب چیست و چند تا است؟

ج۲ـ علامت نصب در اصل فتحه ـَـً است وگاهی هم (الف ـ یاء ـ کسره) می‌آید.

علامت نصب چهار تا هستند فتحه ـ الف ـ یاء ـ و کسره

منصوبات:
۱- مفعول به
۲- مفعول مطلق
۳- مفعول له
۴- مفعول فیه
۵- مفعول معه
۶- حال
۷- تمیز
۸- مستثنی

س۳ـ فتحه والف ویاء و کسره در چه اسمها ئی علامت نصب اند؟

ج۳ـ فتحه ـَ ـً در اسم مفرد مانند: **الرَّجُلَ** و سَعیداً در جمع مکسّر مانند رِجال

الف در اسماء سته مانند: **اباهُ ـ حماه**

یاء در مثنی مانند: مسلَمَینِ و در جمع مذکر سالم مانند **مُسلِمَینِ**

کسره ـِـٍ در جمع مونث سالم مانند: **المسلماتِ ـ مسلماتٍ**

علامت نصب
- ۱- فتحه
  - ۱- در جمع مکسر - رِجالَ
  - ۲- اسم مفرد – سعید
- ۲- یاء
  - ۱- در جمع مذکر سالم، مانند: مسلمینَ
  - ۲- در تثنیه، مانند: مسلمَیْنِ
- ۳- کسره ← در جمع مؤنث سالم، مانند: مسلمات
- ۴- الف در اسماء خمسه
  - ۱- اباه
  - ۲- حماه
  - ۳- فاه
  - ۴- اخاه
  - ۵- ذامال
  - ۶- هَناه

س۴ـ مفعول‌به چه اسمی است؟

ج۴ـ مفعول‌به اسم منصوبی است که فعل از فاعل برآن واقع می‌شود، مانند **قَتَلَ عَلِیٌّ سَعِیداً.**

قَتَلَ (فعل) علیٌّ (فاعل) سعیداً (مفعول) به قتل توسط علی بر سعید وارد شد.

س۵ـ در عربی آیا فعل بر مفعول مقدم است یا مفعول بر فعل؟

ج۵ـ در جمله‌های فعلیّه معمولاً اوّل (فعل) بعد (فاعل) سپس (مفعول) ذکر می‌شود. ولی ممکن است گاهی مفعول بر فاعل و یا حتی بر فعل هم مقدم شود.

خود را بیازمایید

س۱ـ منصوبات عبارت‌اند از؟

الف: مفاعیل ـ تمیز ـ حال ـ مستثنی ب: مفاعیل ـ اسم إنّ ـ خبر کانَ

ج: تمیز ـ حال ـ مستثنی د: اسم لاء نفی جنس ـ اسم إنّ ـ مفاعیل

س۲ـ علامت نصب چند تا هست؟

الف ـ یکی ب: سه تا ج: چهار تا د: دو تا

س۳ـ فتحه ـَـ در این اسمها علامت نصب است

الف: اسم مفرد ـ جمع مونث سالم

ب: اسم مفرد ـ اسم جمع

ج: اسم مفرد ـ اسم جمع

د: جمع مکسّر ـ جمع مذکّر سالم

س۴ـ یاء در این اسمها علامت نصب است

الف: جمع مذکر سالم ـ جمع مونث سالم

ب: جمع مکسر ـ جمع مونث سالم

ج: در مثنّی ـ در جمع مذکر سالم

د: در اسم مفرد ـ و جمع مذکر

س۵ـ در کدامیک از این اسمها الف علامت نصب است

الف: اسم مفرد ـ اسماء سته

ب: اسماء سته ـ جمع مکسر

ج: جمع مکسر

د: اسماء سته

خلاصه درس سیزدهم

۱ـ منصوبات عبارت‌اند از

مفعول به ـ مفعول مطلق ـ مفول له ـ مفعول فیه ـ مفعول معّ ـ حال ـ تمیز ـ مستثنی

۲ـ علامت نصب عبارت است از.

فتحه (اسم مفرد ـ جمع مکسر)

الف: در اسماء سته

یاء (مثنی ـ جمع مذکر سالم)

کسره ــِــدر جمع مونث سالم

۳ـ مفعول به، اسم منصوبی است که فعل از فاعل بر آن واقع می‌شود

بسم الله الرحمن الرحیم

درس چهاردهم

س۱ـ در چه مواردی مفعولٌ بر فاعل مقدم می‌شود؟

ج۱ـ در دو مورد مفعول بر فاعل مقدم می‌شود:

الف: هنگامیکه مفعول به ضمیر متصل به فعل باشد

مانند: **نَصَرنی عَلِیٌّ** (علی مرا یاری کرد)

نصر فعل ـ ی مفعول مقدم ـ علی فاعل مؤخّر

ب: هنگامیکه ضمیر مفعولٌ به متصل به فاعل باشد.

مانند: **اِذا اِبتَلی ابراهیمَ رَبَّهُ**

ابتلی فعل ـ ابراهیمَ مفعول مقدم ـ رَبّ فاعل مؤخر ـ هُ ضمیر مفعولٌ به که به فاعل متصل شده

تقدیم مفعول بر فاعل

۱ـ هنگامیکه مفعول به ضمیر متصل به فعل باشد

۲ـ هنگامیکه ضمیر مفعولٌ به متصل به فاعل باشد

موارد تقدیم مفعول بر فاعل:
- ۱- هنگامی که مفعول به ضمیر متصل به فعل باشد، مانند: **نَصَرَنی عَلِیٌّ**، «ی» مفعول مقدم.
- ۲- هنگامی که ضمیر مفعول به متصل به فاعل باشد، مانند: **اِذ اِبتلی اِبراهیمَ رَبُّهُ**، ابراهیم مفعول مقدم، «هِ» ضمیر مفعول

س۲ـ در چه مواردی مفعولٌ بر فعل و فاعل مقدم می‌شود؟

ج۲ـ در دو مورد مفعولٌ به بر فعل و فاعل مقدم می‌شود

الف: هنگامیکه مفعول به ضمیر متصل باشد

مانند: **ایاکَ نعبدُ**، ایاک مفعول مقدم چونکه ضمیر متصل است

نعبدُ فعل فاعلش نحن است در او مستتر

ب: هنگامیکه مفعولٌ به از اسماء استفهام باشد یا از اسماء شرط

اسماء شرط، مانند: **ما تفعلوا مِنْ خیرٍ تَجِدُوهُ**

ما مفعولٌ به اسم شرط است

اسماء (استفهام) مانند **مَنْ نَصَرتَ** چه کسی را یاری کردی که **مَنْ** از اسماء استفهام است.

تقدیم مفعولٌ به بر فعل و فاعل

۱ـ اگر مفعول به ضمیر متصل باشد **ایاکَ نَعبدُ**

۲ـ اگر مفعول به از اسماء شرط باشد **ما تَفعلوا**

۳ـ اگر مفعول به از اسماء استفهام باشد **مَن نَصَرتَ**

مواردی که مفعول بر فعل و فاعل مقدم شود:

۱- هنگامی که مفعول به ضمیر متصل باشد، مانند: **ایّاکَ نَعبُدُ**، ایاک مفعول مقدم

۲- هنگامی که مفعول به از اسماء شرط باشد، مانند: **ما تَفعَلوا، ما مفعولٌ** به است

۳- هنگامی که **مفعولٌ** به از اسماء استفهام باشد، مانند: **من نَصَرتَ، من مفعولٌ** به است

س۳ـ در چه مواردی فعل مفعولٌ به حذف می‌شود؟

ج۳ـ در دو مورد فعل مفعولٌ به حذف می‌شود

الف: در حالت اغراء

اغراء یعنی تشویق و ترغیب به کار نیک

مانند: الصّلوة = اَلصّلوة

که اصلش **احضَرُوُ** بوده فعلش حذف شده

ب: تحذیر: یعنی بر حذر داشتن از کار بد و نا پسند

مانند: **الغیبته ـ اَلغَیبته** که اصلش بوده

اِحذَرو الغیبتَه فعلش حذف شده

حذف فعل
- ۱ـ در حالت اِغراء (تشویق) الصَّلوة که در اصل بوده **احضر و الصلواة**
- ۲ـ در حالت تحذیر (خطر) الغیه = اِحذرو الغیبته

س۴ـ افعالی که دو مفعول میگیرند بر چند دسته هستند؟

ج۴ـ افعالی که دو مفعول میگیرند به دو دسته تقسیم می‌شوند

الف: دسته اول عبارت‌اند از: **أعطی ـ أسکَنَ ـ کَسا ـ أطعَم ـ سَقی ـ جَعَلَ ـ اِتَّخَذَ ـ سَمّی**

مانند: **اِنا اعطَیناکَ الکوثَرَ، اعطی** فعل ـ **نا** فاعل،

کَ مفعول اول **کوثَرَ** مفعول دوم

ب: دسته دوم افعال قلوب هستند و عبارت‌اند از:

حَلِمَ ـ ظَنَّ ـ خال ـ رَأیَ ـ وَجَدَ- حَسِبَ

مانند: **عَلِمتُ سعیداً عالماً**

عَلِمتُ فعل و فاعل سعیداً مفعول اول عالماً مفعول دوّم،

فرق افعال قلوب با دسته اول در این است که اصل این دو مفعول مبتداء و خبر بوده‌اند ـ **سعیدٌ ـ عالِمٌ** بوده

افعال دسته اوّل:
- ۱ـ اعطی (داد)
- ۲ـ أسكَنَ (جا داد)
- ۳ـ كسا (پوشاند)
- ۴ـ اطعَم (خوراند)
- ۵ـ سقی (نوشاند)
- ۶ـ جَعَلَ (قرار داد)
- ۷ـ اِتَخذ (گرفت)
- ۸ـ سَمی (نامید)

افعال دو مفعولی:
- ۱ـ دسته اوّل أ عطی............
- ۲ـ دسته دوّم افعال قلوب ـ عَلِم.........

افعال قلوب دو مفعولی:
- ۱ـ عَلِم (دانست)
- ۲ـ ظَنَّ (گمان کرد)
- ۳ـ حَسِبَ(خیال کرد)
- ۴ـ خالَ (خیال کرد)
- ۵ـ رأی (گمان کرد)
- ۶ـ وَجَدَ (یافت)

خود را بیازمایید

س۱ـ مفاعیل عبارت‌اند از..............؟

الف: مفعول به ـ مطلق ـ فیه ـ له ـ مع

ب: مفعول به ـ نوعی ـ عددی ـ له ـ فیه

ج: مفعول مطلق ـ له ـ فیه ـ ظرف ـ مع.

د: مفعول فیه ـ ظرف ـ عددی ـ نوعی ـ مع.

س۲ـ مفعول به عبارت است از؟

الف: اسمی که فعل براو واقع شده.

ب: اسم منصوبی است که فعل توسط فاعل بر او واقع شده.

ج: اسمی است که فاعل بر او واقع شده.

د: اسم منصوبی است که فعل و فاعل بر او واقع شده.

س۳ـ در این جمله (قاتَلَهُم الله) فعل و فاعل و مفعول را مشخص کنید؟

الف: قاتل فعل ـ هُم مفعول مقدم ـ الله فاعل

ب: قاتل فعل ـ هُم فاعل ـ الله مفعول.

ج: قاتل فعل ضمیر هو در او مستتر فاعلش هُم مفعول.

د: قاتل فعل ـ ضمیر هو فاعل، هُم مفعول اوّل الله مفعول دوّم.

س۴ـ در این مثال علت تقدم مفعول بر فاعل چیست؟ (آجلسکَ سعیدُ)

الف: فاعل مفرد است　　　　ب: فاعل اسم ظاهر است

ج: مفعول اسم ظاهر است　　　　د: مفعول ضمیر متصل به فعل است

س۵ـ در این مثال علت تقدم مفعول بر فاعل چیست؟ (اذ ابتلی یَعقوبَ رَبُّه.)

الف: مفعول ضمیر متصل به فعل است　　　ب: مفعول اسم ظاهر است

ج: ضمیر مفعول به فاعل متصل است　　　د: فاعل دارای ضمیر است

س۶ـ در این آیه مفعول به کدام است؟(رَبّنا اَفرِغ عَلَینا صبراً)

الف: صبراً　　ب: رَبّنا مفعول مقدم بر فعل　　ج: عَلَینا　　د: هیچ کدام

س۷ـ در چه مواردی واجب است حذف فعل و مفعول به؟

الف: در دو مورد ـ اغراء ـ تحذیر

ب: در دو مورد ـ هر گاه ضمیر متصل به فاعل و ضمیر متصل به مفعول باشد.

ج: در سه مورد ـ اغراء ـ تحذیر ـ بالفظ علیک

د: در چهار مورد ـ اغراء تحذیر ـ بالفظ علیک ـ بالفظ ایاک

س۸ـ در چه مواردی مفعول بر فعل و فاعل مقدم می‌شود؟

الف: درسه مورد ـ مفعول به اسم ظاهر باشد ـ ضمیر منفصل باشد ـ اسم استفهام باشد.

ب: درسه مورد ـ مفعول به ضمیر منفصل باشد ـ اسم استفهام باشد ـ ا سم شرط باشد.

ج: دریک مورد ـ مفعول به ضمیر منفصل باشد.

د: در دو مورد مفعول به ضمیر متصل باشد یا منفصل.

س۹ـ موارد تقدم مفعول به بر فاعل عبارت‌اند از.............؟

الف: مفعول به اسم ظاهر یا ضمیر متصل باشد.

ب: مفعول به ضمیر منفصل یا متصل باشد.

ج: مفعول به ضمیر متصل به فعل یا ضمیر مفعول به به فاعل متصل باشد.

د: مفعول به در کلام نباشد.

س۱۰ـ افعال دو مفعولی بر.............اند و عبارت‌اند از.............؟

الف: دو دسته.........عَلِم ـ ظن ـ حَسِبَ ـ خال ـ رأی ـ وَجَدَ و افعال قلوب

ب: دو دسته.......أعطی ـ أسکَنَ ـ کَسا ـ أطعَم ـ سقی ـ جَعَلَ ـ اِتَخَذَ ـ سَمی ـ و افعال قلوب

ج: دو دسته ـ افعال قلوب ـ افعال شک

د: دو دسته ـ افعال قلوب ـ افعال ناقصه

خلاصه درس چهاردهم

۱ـ در دو مورد مفعول بر فاعل مقدم می‌شود
الف: وقتی که مفعولٌ به ضمیر متصل به فعل باشد
ب: وقتی که ضمیر مفعولٌ به متصل به فاعل باشد
۲ـ در دو مورد مفعولٌ به بر فعل و فاعل مقدم می‌شود
الف: هنگامیکه مفعولٌ به ضمیر متصل باشد
ب: هنگامیکه مفعولٌ به از اسماء شرط یا استفهام باشد
۳ـ بعضی از افعال دو مفعولٌ به می‌گیرند.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس پانزدهم

س۱ـ مفعول مطلق چه مفعولی است؟

ج۱ـ مصدر ی است منصوب از جنس فعل ما قبلش می‌باشد،

مانند: نَصَرتُ زیداً نصراً = نَصْراً **مفعول مطلق** است و منصوب است و از جنس فعل ما قبلش هست.

س۲ـ مفعول مطلق بر چند قسم است؟

ج۲ـ مفعول مطلق برسه قسم است

الف: مفعول مطلق تأکیدی

ب: مفعول مطلق نوعی

ج: مفعول مطلق عددی

شرائط مفعول مطلق

۱ـ مصدر باشد

۲ـ منصوب باشد

۳ـ از جنس فعل ماقبل باشد.

شرایط مفعول مطلق:
- ۱- مفعول مطلق باید مصدر باشد.
- ۲- باید منصوب باشد.
- ۳- از جنس فعل ماقبل باشد.

س۳ـ مفعول مطلق تأکیدی را توضیح دهید؟

ج۳ـ مفعول مطلق تأکیدی فعل را تأکید می‌کند، فعل ما قبلش را،

مانند: **نَصَرتُ زَیداً نَصراً**

نَصَر (فعل) تُ (فاعل) زیداً (مفعول به) نصراً (مفعول تأکیدی)

س۴ـ مفعول مطلق نوعی را بیان کنید؟
نوع فعل ما قبلش را بیان می‌کند،
مانند: **ضَرَبتُه ضَرباً شَدیداً**
ضَرَبَ (فعل) تُ (فاعل) هِ (مفعول به) **ضَرَباً شَدیداً** (مفعول مطلق نوعی)

اقسام مفعول مطلق:
۱- مفعول مطلق تأکیدی، فعل را تأکید می‌کند.
۲- مفعول مطلق نوعی، نوع فعل را بیان می‌کند.
۳- مفعول مطلق عددی، عدد فعل را بیان می‌کند.

س۵ـ مفعول مطلق عددی را بیان کنید؟
ج۵ـ مفعولی است که عدد فعلش را بیان می‌کند، **ضَرَبَتهُ ضَرَبهً**
مانند: **ضَرَبَ** (فعل) ت (فاعل) هـ)مفعول به) **ضَربَهً** (مفعول مطلق عددی) ة، تا، تاء و حدت است

س۶ـ آیا می‌شود مفعول مطلق را ا زفعل دیگری آورد؟
ج۶ـ می‌شود مفعول مطلق رااز فعل دیگری آورد بشرط اینکه از نظر معنا یکی باشند (معنای مترادفی داشته باشند) مانند **جَلَسْتُ قُعُوداً**
جَلسَ (فعل) تُ (فاعل) قعوداً (مفعول مطلق) که هر دو دارای یک معنا است.
جلس: نشست
قعد: نشست

س۷: آیا عامل مفعول مطلق حذف می‌شود؟
ج۷ـ گاهی عامل مفعول مطلق حذف می‌شود
مانند: حمداً که بوده أحمدُک حَمداً
أحمدُ(فعل و فاعل) کَ (مفعول به) حَمداً (مفعول مطلق)
که أحْمَدُکَ حذف شده

خود را بیازمایید

س۱ـ مفعول مطلق مفعولی است..........؟

الف: مصدر ـ منصوب ـ از جنس فعل قبل

ب: فعل توسط فاعل براو واقع می‌شود

ج: مصدری است بدون الف و لام

د: مصدری است که عدد فعل را بیان می‌کند

س۲ـ مفعول مطلق بر.........قسم است

الف: چهار قسم ب: دو قسم ج: سه قم د: یک قسم

س۳ـ انواع مفعول مطلق عبارت‌اند از؟

الف: مطلق ـ تأکیدی ـ نوعی ب: تأکیدی ـ مصدر منصوب ـ عددی

ج: تأکیدی ـ نوعی ـ عددی د: عددی ـ نوعی ـ مطلق ـ مصدری

س۴ـ در این جمله (اُنا فَتَحنا فَتحاً مبینا) مفعول مطلق کدام و چه نوع مفعول مطلقی است؟

الف: فتحاً مصدری ب: نا نوعی ج: فتحاً مبینا تأکیدی د: فتحاً مبینا نوعی

س۵ـ در این جمله (ضَرَبْتُهُ ضَرَبَةً) مفعول مطلق کدام و چه نوع مفعول مطلقی است؟

الف: ضَرَبةً عددی ب:ها نوعی ج: تُ عددی د: ضَرَبَةً مصدری

س۳ـ شرایط فعل و فاعل را بیان کنید؟

شرایط فعل و فاعل از این قرار است

الف: اگر فاعل (مذکر) باشد فعل هم مذکر خواهد بود ـ مانند: (نَصَرَ عَلِیٌ) نَصَرَ فعل ماضی مفرد و مذکر غایب و عَلیٌ فاعل و مذکّر

ب: اگر فاعل (مونث حقیقی) باشد فعل هم مونث می‌آید مانند: (نَصَرَت فاطِمَة)

ج: اگر فاعل (مونث مجازی) و اسم ظاهر باشد فعل را بهردو صورت می‌توان آورد مانند: (طَلَعَ اَلشمسُ یا طَلَعَتِ الشمسُ)

د: اگر فاعل (جمع مکسر باشد) فعل به‌صورت مفرد می‌آید مانند: قالتِ الا إعرابُ ـ اعراب جمع مکسر است ـ فعل مفرد مونث آورده شد.
ه: اگر فاعل (اسم ظاهر) باشد فعل همیشه مفرد می‌آید مانند
ذَهَب معَلَمٌ ـ معَلّمانِ ـ معَلِمونَ
ذَهَبتُ معَلِّمةٌ ـ معَلّمتانِ ـ معَلِماتُ
و: اگر فاعل (ضمیر باشد) فعل با اسمی که قبل از آن آمده مطابقت دارد.
مانند: معَلِم ذَهَبَ ـ معَلِمان ذَهَبا ـ معَلِمونَ ذَهَبوا
مانند: معَلِمةٌ ذَهَبتَ ـ معَلمتانِ ذَهَبَتا ـ معَلِّماتُ ذَهَبنَ

خلاصه درس پانزدهم

۱ـ مفعول مطلق مصدری است منصوب از جنس فعل ما قبلش باشد یا اینکه از نظر معنا یکی باشد.
۲ـ مفعول مطلق برسه قسم است:
۱ـ تاکیدی
۲ـ نوعی
۳ـ عددی

بسم الله الرحمن الرحیم

درس شانزدهم

س۱ـ مفعولٌ مع را تعریف کنید؟
ج۱ـ مفعول مع اسم منصوبی ا ست که بعد از واو معیّت می‌آید
مانند حبتُ و علیاً = حبتُ فعل و فاعل واو معیت علیاً مفعول معه

س۲ـ واو معیت یعنی چه؟
ج۲ـ واوی است که به معنای مصاحبت و همراهی می‌آید.

س۳ـ فرق بین واو معیت و واو عاطفه چیست؟
ج۳ـ معمولاً واو معیت بعد از ضمیر متصل به فعل می‌آید مانند: مثال بالا.
و اما واو عاطفه بعد از ضمیر منفصل می‌آید مانند:
حبتُ أناَ و عَلِیٌ که این واو، واو عاطفه است

س۴ـ اسم بعد از واو عاطفه چیست؟
ج۴ـ همانطوریکه گفتیم اسم بعد از واو معیت مفعول معه است ولی اسم بعد از واو عاطفه مفعول معه نیست بلکه اسم مرفوعی است که عطف بر اسم قبلی شده.

شرائط مفعولٌ معه:
۱- اسم منصوب باشد و بعد از واو مغیت بیاید.
۲- واو معیت بعد از ضمیر متصل به فعل باشد.

س۵ـ مفعول له چه مفعولی است؟
ج۵ـ مصدر ی است بدون الف و لام که علّت انجام فِعل را بیان می‌کند
مانند: **فَرَّمنِ الحَربِ جُبُناً** ـ از جنگ گریخت چرا؟ بخاطر ترس

س۶ـ شرائط مفعول له چیست؟

ج۶ـ مفعول له دارا ی این شرائط است:

الف: مصدر باشد بدون الف و لام

ب: علت انجام فعل را بیان کند.

ج: اگر مصدر نباشد بر سرش لام در آید. مانند: **جِئتُکَ لِدِرهَم**

د: دِرهم مصدر نیست بر سر ش لام در آورده‌ایم.

و اگر باشد با الف و لام باز هم بر سرش لام درآوریم.

مانند: **ضَرَبتُ علیاً لِلتأدیب** که التأدیب بوده مصدر با الف و لام.

شرائط مفعول لَه:
- ۱- مصدر باشد.
- ۲- بدون الف و لام باشد.
- ۳- علت انجام فعل را بیان کند.
- ۴- اگر مصدر نباشد لام بر او وارد شود.
- ۵- اگر مصدر با الف و لام باشد باز هم لام بر او وارد شود.

خود را بیازمایید

۱ـ در جمله (سافرتُ أناَ و عَلِیّ) علی چه نقشی دارد؟

الف: مفعول معه است ب: مفعول به است

ج: فاعل است د: بوسیله واو عطف شده بر اسم قبلی

س۲ـ در جمله (سافرتُ و علیاً) علی چه نقشی دارد؟

الف: نائب الفاعل است ب: بوسیله واو عطف شده بر اسم قبلی

ج ـ مفعول معه است د: مفعول مطلق است

س۳ـ مفعول معه چه مفعولی است؟

الف: اسم منصوبی است که بعد از واو معیت می‌آید.

ب: اسم منصوبی است که بعد از واو عاطفه می‌آید.

ج: مصدر ی است بدون الف و لام

د: مصدر ی است از جنس فعل قبلی.

س۴ـ مفعول له چه مفعولی است؟

الف: مصدری است بدون الف و لام می‌آید و علت انجام فعل را بیان می‌کند.

ب: اسم منصوبی است که بعد از واو معیت می‌آید.

ج: اسم مشتقی است که بعد از واو عاطفه می‌آید.

د: اسم منصوبی است که با الف و لام می‌آید.

س۵ـ شرائط مفعول له چیست؟

الف: مصدر باشد با الف و لام.

ب: اسم منصوب باشد بدون الف و لام.

ج: مصدر باشد از جنس فعل قبلی

د: مصدر باشد ـ بدون الف و لام ـ علت انجام فعل را بیان کند

خلاصه درس ۱۶

۱ـ مفعول معَ اسم منصوبی است که بعد از واو معیت می‌آید

۲ـ واو معیّت واو ی است که بعد از ضمیر متصل به فعل می‌آید

۳ـ مفعول لَه مصدر منصوبی است بدون الف و لام می‌آید

۴ـ مفعول لَه علت وقوع فعل را بیان می‌کند

بسم الله الرحمن الرحیم

درس هفدهم

س۱ـ مفعول فیه را شرح دهید؟

ج۱ـ مفعول فیه اسم منصوبی است که زمان یا مکان وقوع فعل را بیان می‌کند و به آن ظرف هم می‌گویند.

س۲ـ یک مثال برای مفعولٌ فیه بزنید؟

ج۲ـ مانند: **صَلَّیْتُ یَوْمَ الجُمعَة** صَلِّ (فعل) تُ (فاعل) یوم (مفعول فیه و مضاف) **الجُمعَةِ** (مضافٌ‌الیه)

س۳ـ ظرف بر چند قسم است؟

ج۳ـ ظرف بر دو قسم است:

الف: ظرف زمان : زمان وقوع فعل را بیان می‌کند.

ب: ظرف مکان: مکان وقوع فعل را بیان می‌کند.

و هر یک از این ظروف یا معین و مخصوص هستند یا نا معین و غیر مخصوص.

س۴ـ ظروف معین و مخصوص را تعریف کنید؟

ج۴ـ ظروفی هستند که دلالت بر محدوده معین و مخصوص می‌کنند

مانند: مسجد (ظرف مکان معین) ـ یوم (ظرف زمان معین)

س۵ـ ظروف غیر معین و غیر مخصوص چه ظروفی هستند؟

ج۵ـ ظروفی هستند که دلالت بر مکان و زمان غیر معین و مخصوص می‌کند.

مانند: فوق (ظرف مکان نا معین) ـ حین (ظرف زمان نا معین)

س۶ـ ظروف متصرف چه ظروفی هستند؟

ج۶ـ ظروف متصرف ظروفی هستند که هم به‌صورت ظرف و هم به‌صورت غیر ظرف استعمال می‌شوند.

مانند: شهر ـ یوم ـ مسجد

صُمتُ یَوم الجمعة　　　　اليوم مباركٌ

یوم ظرف است　　　　یوم مبتداء است

ظرف
- ۱- ظرف زمان
  - ۱- معرب - مبنی
  - ۲- متصرف - غیر متصرف
  - ۳- معین - غیر معین
- ۲- ظرف مکان
  - ۱- معرب - مبنی
  - ۲- متصرف - غیر متصرف
  - ۳- معین - غیر معین

و ظروف غیر متصرف ظروفی هستند که دائماً ظرف بوده و همیشه بر زمان و مکان دلالت می‌کند.

مانند: بعد ـ فوق ـ اِذ

س۷ـ ظروف معرب و مبنی چه ظروفی هستند؟

ج۷ـ ظروف معرب ظروفی هستند که حرکت آخر شان متغیّر است

و ظروف مبنی ظروفی هستند که حرکت آخرشان ثابت است

مانند: ظروف زمانی مبنی:

اِذ ـ اِذا ـ متی ـ ایان ـ اِنی ـ أمسَ ـ الان ـ مُذ ـ مُنذُ

ظروف مکانی مبنی: هُنا ـ ها هُنا ـ ثُم ـ عند ـ لَدُن ـ لَدای ـ حِیثُ غیر از این‌ها تمام ظروف معرب هستند.

س۸ـ کدامیک از این ظروف منصوب می‌باشد؟

ج۸ـ ظروف مکانی غیر معین و ظروف زمانی معین و غیر معین منصوب می‌باشد و ظروف مکانی معین لفظ مجرور هستند و محلاً منصوب می‌باشند.

خود را بیازمایید

۱ـ مفعول فیه..........................است؟

الف: مصدر منصوبی　　ب: مصدر با الف و لام

ج: اسم منصوبی　　د: اسم مَنصوبی است که زمان یا مکان وقوع فعل را بیان میٰکند

۲ـ به مفعول فیه...............می گویند.

الف: ظرف هم.　　ب: مفعول مطلق هم.

ج: مفعول به هم.　　د: اسم منصوب هم.

۳ـ ظرف بر چند قسم است؟

الف: بر دو قسم مخصوص و غیر مخصوص

ب: برسه قسم مخصوص، متصرف، غیر مخصوص

ج: بر چهار قسم مخصوص، غیر مخصوص ـ متصرف، غیر متصرف

د: بر دو قسم ظرف زمان و ظرف مکان

۴ـ در جمله (صلیّتُ یَوم الجُمعَةِ) مفعول فیه چه ظرفی است؟

الف: ظرف زمان　　ب: ظرف مکان

ج: ظرف غیر متصرف　　د: ظرف مبنی

۵ـ ظروف غیر متصرفه چه ظروفی هستند؟

الف: ظروفی هستند که صرف نمی‌شود.

ب: ظروفی هستند که همیشه ظرف هستند.

ج: ظرفی هستند که گاهی ظرفند و گاهی غیر ظرف‌اند.

د: ظروف هستند که صرف می‌شوند.

۶ـ چه ظروفی وقتی مفعول به قرار می‌گیرند منصوب هستند؟

الف: ظرف مکانی معین

ب: ظرف زمانی غیر معین

ج: ظروف متصرف و غیر متصرف

د: ظروف مکانی غیر معین و همه ظروف زمانی

س۷ـ ظروف مکانی معین و محدود هر گاه مفعول فیه واقع شوند لفظاً چه حکمی دارند؟

الف: لفظاً منصوب هستند و محلاً مجرور

ب: لفظاً مرفوع هستند و محلاً منصوب.

ج: لفظاً محلی از اعراب ندارد.

د: لفظاً مجرور هستند و محلاً منصوب.

خلاصه درس ۱۷

۱ـ مفعول فیه اسم منصوبی است که زمان یا مکان وقوع فعل را بیان می‌کند.

۲ـ به مفعول فیه ظرف هم می‌گویند.

۳ـ ظرف بر دو قسم است ظرف زمان ـ ظرف مکان

۴ـ هر یک از این دو بر دو قسم‌اند ظرف مخصوص و معین ـ و غیر مخصوص نامعین

بسم الله الرحمن الرحیم

درس هجدهم

س۱ـ حال چه اسمی است؟

ج۱ـ اسم منصوب مشتقی است که حالت و چگونگی فاعل یا مفعول یا هر دو را بیان می‌کند.

س۲ـ برای هر یک جداگانه مثال بزنید

ج۲ـ جاء سعیدٌ راکِباً (فعل) سَعید (فاعل) راکباً (حال) = حال از فاعل،

مثال: **رَأیتُ عَلیاً ضاحِکاً**

رِئ (فعل) تُ (فاعل) علیاً (مفعول) ضاحکاً (حال) = حال از مفعول

جاءَ علیٌ وسعیدٌ ضاحکینِ حال ازهردو

س۳ـ به کسی که دارنده و صاحب حال است چه می‌گویند؟

ج۳ـ به دارنده و صاحب حال (ذوالحال) گویند یعنی در جمله

جاء علیٌ راکباً = علی ذوالحال است و راکباً حال

س۴ـ حال بر چند قسم است؟

ج۴ـ حال مانند: خبر بر ۳ قسم است

۱ـ مفرد ۲ـ جمله ۳ـ شبه جمله

حال
- ۱- مفرد
  - ۱- مشتق، مانند: **جاء سعیدٌ باکِیاً**
  - ۲- جامد، مانند: **کَرَّ سعیدٌ اَسَداً**
- ۲- جمله
  - ۱- فعلیه: **جاء سعیدٌ یَرکُضُ**
  - ۲- اسمیه: **سَهَرْتَ و الناس نائِمونَ**
- ۳- شبه جمله
  - ۱- جار و مجرور: **رأیتُ علیاً علی الشجره**
  - ۲- ظرفیه: **خَطَبَ سَعیدٌ فَوقَ المنبَر**

س۵ـ حال مفرد و جمله و شبه جمله را توضیح دهید؟

ج۵- هریک از آنها بر دو قسم هستند:

س۶ـ شرائط حال و ذوالحال را بنویسید؟

ج۶ـ شرائط حال = نکره باشد و مؤخر

شرائط ذوالحال = معرفه باشد و مقدم

شرائط حال:
- ۱- حال باید نکره باشد.
- ۲- حال باید مؤخّر باشد.

شرائر ذوالحال:
- ۱- باید معرفه باشد.
- ۲- باید مقدّم باشد.

س۷: آیا حال بر ذوالحال مقدم می‌شود؟

ج۷ـ بلی اگر ذوالحال نکره باشد حال بر او مقدم می‌شود.

مانند: **جاء راکباً رَجُلٌ** که رجل ذوالحال است و نکره حال بر او مقدم شده

شرائط حال

۱ـ اسم منصوب مشتقی است

۲ـ حالت و چگونگی فاعل و مفعول یا هر دو را بین می‌کند

۳ـ نکره است

۴ـ مؤخر است از ذوالحال.

خود را بیازمایید:

۱ـ در جمله (**ضارب علیٌ حسناً ضاحکین**) حال و ذوالحال کدام است؟

الف: **حسناً حال** ـ ضاحکین ذوالحال

ب: **علیٌ حال** ـ حسناً ذوالحال

ج: **حسناً حال** ـ علیٌ ذوالحال

شرائط حال:

۱- اسم منصوب و مشتقی است.

۲- حالت و چگونگی فاعل و مفعول یا هردو را بیان می‌کند.

۳- اسمی نکره است.

۴- مؤخّر است از ذوالحال.

۲ـ در این جمله حال و ذوالحال را مشخص کنید (ضَرَبَ علیٌ سعیداً ضاحکاً باکیاً)

الف: علی حال سعید ذوالحال.

ب: سعید حال ضاحکاً ذوالحال.

ج: ضاحکاً حال باکیاً ذوالحال.

د: علی حال اول، ضاحکاً ذوالحال اول سعید حال دوم، باکیاً ذوالحال دوم.

۳ـ در این ذوالحال چیست؟ (**رأیت سعیداً علی الشجرة**)

الف: علی ذوالحال است و مفرد ب: شجرة ذوالحال است و جمله

ج: علی **الشجرة** ذوالحال است و شبه جمله د: تُ ذوالحال مقدم است

۴ـ در این جمله ذوالحال را مشخص کنید (جاء سعیدٌ یرکضُ)

الف: جمله فعلیه یرکض ب: جمله فعلیه جاء

ج: جمله اسمیه سعیدٌ　　　د: مفرد یَرکُض

۵ـ ذوالحال رادر این جمله را بیان کنید (**سَهَرَتُ وَالنّاس نائمونَ**)

الف: نائمون　　　ب: و الناس نائمون جمله اسمیه

ج: و الناس ـ اسم　　　د: تُ ـ در سَهَرَتُ

خلاصه درس هجدهم

۱ـ حال اسم منصوبی است و مشتق که حالت و چگونگی فاعل یا مفعول یا هر دو را بیان می‌کند.

۲ـ حال نکره است و مؤخر

۳ـ ذوالحال معرفه است و مقدم

۴ـ حال یا مفرد است یا جمله یا شبه جمله

۱ـ مفرد، مشتق و جامد

۲ـ جمله اسمیه و فعلیه

۳ـ شبه جمله، ظرف و جار و مجرور

بسم الله الرحمن الرحیم

درس نوزدهم

س۱ـ تمیز را تعریف کنید؟

ج۱ـ تمیز اسمی است جامد و نکره ـ که بعد از کلمه یا نسبت مهمی می‌آید. و ابهام آن را بر طرف می‌سازد.

مانند: **إشتَریتُ عِشرْینَ کتاباً**

کتاب تمیز است برای عشرین

س۲ـ تمیز بر چند قسم است؟

ج۲ـ تمیز بر دو قسم است:

۱ـ تمیز ذات: رفع ابهام از کلمه می‌کند

۲ـ تمیز نسبت: رفع ابهام از نسبت مو جود د ر جمله می‌کند.

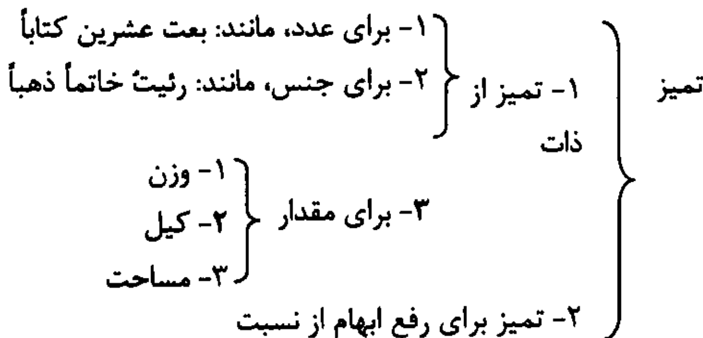
س۳ـ تمیزذات بر چند قسم است؟

ج۳ـ تمیز ذات بر سه قسم است

۱ـ تمیز برای عدد = مانند: **بِعتُ عِشْرین کتاباً**

۲ـ تمیز برای جنس = **رئیتُ خاتماً ذهَباً**

۳ـ تمیز برای مقدار و مقدار بر چند قسم است؟



تمیز مقدار عبارت است از:

الف: وزن مانند: **إشتَریتُ منوینِ عَسَلاً**

ب: کیل مانند: **أعطَیتُ الفَقیر صاعاً قُمحاً**

ج: مساحت مانند: **هذا ذِراعٌ أرضاً**

س۴ـ تمیز نسبت را توضیح دهید؟

ج۴ـ تمیز نسبت رفع ابهام می‌کند از نسبت موجود در جمله.

مانند: **علیٌّ أفضلُ منکَ عِلماً**

اول مشخص نبود علی از چه جهتی از تو برتر است وقتی علماً را آوردیم رفع ابهام شد.

س۵ـ کدامیک از این تمیزها مجرور واقع می‌شوند؟

ج۵ـ گاهی ممکن است تمیز ذات مجرور واقع شود.

به حرف جر یا به اضافه

مانند: **رایتُ خاتم ذهبٍ** = مجرور به اضافه

مانند: **رایتُ خاتماً من ذهبٍ** = مجرور به حرف جر

خود آزمایی

۱ـ تمیز اسمی است......................؟

الف: جامد و نکره ب: مشتق و معرفه

ج: جامد و مشتق د: جامد و نکره که بعد از کلمه مبهم می‌آید.

۲ـ تمیز بر.................قسم است.....................

الف: بر دو قسم است ـ عدد ـ ذات

ب: بر سه قسم است ـ عدد ـ ذات ـ نسبت.

ج: بر دو قسم است ـ ذات ـ نسبت

د: بر چهار قسم است ـ عدد ـ جنس ـ مقدار ـ مساحت

۳ـ تمیز ذات عبارت است از.....................

الف: جنس ـ مقدار ـ عدد

ب: نسبت ـ مساحت ـ کیل.

ج: جنس ـ نسبت ـ کیل.

د: وزن ـ کیل ـ مساحت.

۴ـ تمیز مقدار عبارت است از:

الف: وزن ـ کیل ـ مساحت. ب: وزن ـ عدد ـ جنس.

ج: کیل ـ مساحت ـ جنس. د: جنس ـ عدد ـ کیل.

۵ـ کدامیک از این تمیزها مجرور واقع می‌شوند

الف: تمیز اعداد. ب: تمیز نسبت.

ج: تمیز جنس. د: تمیز عدد.

خلاصه درس نوزدهم

۱ـ تمیز اسمی است جامد و نکره برای رفع ابهام از کلمه یا نسبت می‌آید

۲ـ تمیز بر دو قسم است

الف: تمیز ذات

ب: تمیز نسبت

تمیز { ۱ـ تمیز ذات / ۲ـ تمیز نسبت }

تمیز ذات ۱ـ تمیز از عدد ۲ـ تمیز از جنس ۳ـ تمیز از مقدار

۳ـ تمیز ذات بر سه قسم است

الف: تمیز از عدد

ب: از جنس

ج: از مقدار وزن ـ کیل ـ مساحت

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیستم

س۱- تمیز اعداد بر چند دسته است؟

ج۱- تمیز اعداد بر سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱- تمیز از عدد سه تا عدد ده   از ۳ تا ۱۰

۲- تمیز از عدد ده تا عدد صد   از ۱۰ تا ۱۰۰

۳- تمیز از عدد صد به بالا   از ۱۰۰ به بالا

س۲- حکم هر سه قسم تمیز را بیان کنید؟

ج۲- تمیز عدد ۳ تا ۱۰ جمع است و مجرور، لفظاً مجروراً و محلاً منصوب،

مانند: **عِندی ثَلاثَةُ رِجالٍ**، رجال تمیز است محلاً منصوب و لفظاً مجرور

حکم تمیز عدد ده تا صد مفرد است و منصوب،

مانند: **اِنّی رَأیتُ اَحَدَ عَشَرَ کَوکَباً**، کوکب تمیز مفرد و منصوب است.

حکم تمیز عدد صد به بالا مفرد است و مجرور،

مانند: **رَأیتُ ماَةَ رَجُلٍ**، رجل مفرد است و مجرور.

س۳- چرا می‌گوییم لفظاً مجرور و محلاً منصوب؟

ج۳- برای اینکه حکم تمیز این است که منصوب باشد اما در اینجا چون مضاف‌الیه واقع شده مجرور است. لذا می‌گوییم لفظاً مجرور است چون مضاف‌الیه است و محلاً منصوب است، چون تمیز است و تمیز از منصوبات است.

تمیز اعداد:
- ۱- تمیز عدد سه تا ده، جمع است و مجرور
- ۲- تمیز عدد ده تا صد، مفرد است و منصوب
- ۳- تمیز عدد صد به بالا، مفرد است و مجرور

شعر

ز سه تا ده همه جمع‌اند و مجرور

ز ده تا صد همه فرداند و منصوب

ز صد برتر همه فرداند و مجرور

خود را بیازمایید

۱- تمیز اعداد بر چند قسم است؟

الف: بر دو قسم. ب: بر سه قسم.

ج: بر یک قسم. د: بر چهار قسم.

۲- تمیز عدد ۳ تا ۱۰ چه حکمی دارد؟

الف: جمع است و منصوب. ب: مفرد است و منصوب.

ج: جمع است و مجرور. د:جمع است و مجرور لفظاً و محلاً منصوب.

۳- تمیز عدد صد به بالا چه حکمی دارد؟

الف: مفرد است و مجرور لفظاً و محلاً منصوب

ب: مفرد است و مجرور و لفظاً منصوب و محلاً مجرور.

ج: جمع است و منصوب محلاً.

د: مفرد است و منصوب لفظاً و محلاً مجرور.

۴- تمیز در این جمله چیست؟ اِشتَرَیتَ خَمسینَ خُبزاً.

الف: تمیز نسبت است.

ب. تمیز عدد است از ۳ تا ۱۰.

ج. تمیز عدد از صد به بالا.

د: هیچ یک صحیح نیست.

خلاصه درس بیستم

تمیز اعداد بر سه نوع است:

۱- تمیز عدد ۳ تا ۱۰ جمع است و مجرور.

۲- تمیز عدد ۱۰ تا ۱۰۰ مفرد است و منصوب.

۳- تمیز عدد ۱۰۰ به بالا مفرد است و مجرور.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و یکم

س۱- مستثنی را تعریف کنید:

ج۱- مستثنی اسمی است که به وسیله کلمات استثناء از حکم ما قبلش خارج شده باشد، مانند: **«جاءَ القَوم اِلّا عَلیاً»** به کلمه ی «علی» مستثنی می‌گویند که به وسیله‌ی **«اِلّا»** از حکم ما قبل استثنا شده.

س۲- کلمات استثنا بر چند قسم است؟

ج۲- کلمات استثنا بر دو قسم است:

۱- حروف استثنا. ۲- اسماء استثنا.

س۳- حروف استثنا و اسماء استثنا را بیان کنید:

ج۳- حروف استثنا عبارت‌اند از:

«اِلّا – حاشا – عدا– خَلا»

و اسماء استثنا عبارت‌اند از:

«غَیر – سَوی»

مجموعاً شش کلمه استثنا داریم.

س۴- مستثنی و مستثنی منه و کلمات استثنا را در این مثال بیان کنید:

مثال: **«جاءَ القَوم اِلّا عَلیّاً»**

ج۴- **«جاءَ»** فعل ماضی، **«قَوم»** فاعل **«جاءَ»** مستثنی منه، **«اِلّا»** از حروف استثنا، **«علیّاً»** مستثنی

(مستثنی منه یعنی آنچه از او استثنا شده.)

س۵- مستثنی بر چند قسم است؟

ج ۵- مستثنی بر سه قسم است.

۱- مستثنی متصل
۲- مستثنی منقطع
۳- مستثنی مفرّغ (یعنی خالی شده)

س۶- مستثنی متصل چه نوع مستثنی است؟

ج۶- اگر مستثنی از جنس مستثنی منه باشد متصل است،
مانند: **«جاءَ القَوم اِلّا عَلیّاً»** که علی از جنس قوم است.

س۷- مستثنی منقطع را توضیح دهید، با ذکر مثال:

ج۷- مستثنی منطقع آن است که مستثنی از جنس مستثنی منه نباشد، مانند: **«جاءَ القَوم اِلّا حِمارَهم»** که حمار از جنس قوم نیست.

س۸- مستثنی مفرّغ چیست؟

ج۸- اگر مستثنی منه محذوف باشد مفرغ نامیده می‌شود یعنی خالی، مانند: **«ما جاءَ اِلّا عَلِیٌّ»** در این مثال قوم که مستثنی منه بوده حذف شده.

اقسام مستثنی:
- ۱- متصل: مستثنی از جنس مستثنی منه باشد.
- ۲- منقطع: مستثنی از جنس مستثنی منه نباشد.
- ۳- مفرّغ: مستثنی منه در کلام نباشد.

خود را بیازمایید

۱- فرق مستثنی متصل و منقطع در .... است.

الف: مستثنی منه در کلام نباشد.

ب: مستثنی در کلام نباشد.

ج: در مستثنی متصل مستثنی از جنس مستثنی منه باشد و در مستثنی منقطع مستثنی از جنس مستثنی منه باشد.

د: در متصل از جنس هم نباشد و در منقطع از جنس هم باشند.

۲- مستثنی مفرّغ مستثنی است که ......

الف: مستثنی در کلام نباشد. ب: مستثنی منه در کلام نباشد.

ج: مستثنی و مستثنی منه در کلام باشد. د: مستثنی و مستثنی منه از جنس هم نباشد.

۳- اسماء استثنا عبارت‌اند از:

الف: الا – عدا – سوا ب: حاشا – غیر

ج: خلا – سوی د: غیر – سوی

۴- حروف استثنا عبارت‌اند از:

الف: الا، حاشا، عدا، خلا ب: سوی، الا، عدا، خلا

ج: الا، عدا، غیر، سوی د: سوی، غیر

۵- این جمله چه نوع مستثنی ای است؟ «جاءَتِ النِساءَ اِلّا فاطمةً»

الف: مفرّغ ب: منقطع ج: مستثنی به حرف د: مستثنی متصل

خلاصه درس بیست و یکم

۱- مستثنی اسمی است که به وسیله کلمات استثنا از حکم ماقبلش جدا شده.

۲- کلمات استثنا عبارت‌اند از: (الا، خَلا، عَدا، حاشا) اینها حرف‌اند و (سِوی، غیر) اینها اسم اند.

۳- مستثنی بر سه قسم است:

الف: متصل

ب: منقطع

ج: مفرّغ

مستثنی:
- ۱- متصل
- ۲- منقطع
- ۳-مفرّغ

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و دوّم

س۱ـ حکم مستثنی منقطع رَا بیان کنید؟

ج۱ـ مستثنی منقطع همیشه منصوب است چه جمله مثبت باشد یا منفی

مثال برای جمله مثبت ، جاءَالرجالُ اَلّا فا طِمةَ

فاطمه از جنس رجال نیست جمله هم مثبت است و منصوب.

مثال برای جمله منفی : ماجاء القَوم اِلا حِمارَهُم، حمار از جنس قوم نیست حمار منفی و منصوب است.

س۲ـ مستثنی متصل چه حکمی دارد؟

ج۲ـ مستثنی متصل در صورت مثبت بودن منصوب است.

مانند: جاءَالقوم ا لا علیاً   علی مستثنی متصل و منصوب

در صورت منفی بودن دو حکم دارد. منصوب و مرفوع

ما جاءَ القوم اِ لّا علیاً   در حال نصب

ماجاءَ القوم اِلّا عَلِیٌ   در حال رفع

اعراب مستثنی:

۱- مستثنی منطقع منصوب است چه مثبت باشد چه منفی.

۲- مستثنی متصل در حال مثبت بودن منصوب است اگر منفی باشد به دو حال می‌آید هم منصوب و هم مرفوع.

۳- مستنثی مفرّغ بر حسب مقتضی جمله اعراب می‌گیرد، یعنی اگر فاعل باشد مرفوع اگر مفعول باشد منصوب و اگر مضافٌالیه باشد مجرور.

س۳ـ اعراب مستثنی مفرّغ چیست؟

ج۳ـ اعراب مستثنی مفرغ بر حسب اقتصاء جمله است
یعنی اگر فاعل باشد مرفوع است و اگر مفعول باشد منصوب.
و اگر مضافّالیه باشد مجرو رخواهد بود.

س۴ـ آیا برای شناخت اعراب مستثنی مفرغ راهی وجود دارد؟

بلی، دو راه وجود دارد:
یک میتوانیم الّا را برداریم بعد بر حسب اقتصاء هر اعرابی که گرفت همان اعراب مستثنی خواهد بود.

مانند: **ما جاءَ..........عَلِیٌّ** علی فاعل است می‌شود **ما جاء..........اِلّاعَلِیٌّ**

ما رایتُ..............علیاً علی مفعول است می‌شود **ما رایت.............اِلا علیاً**

ما مرَرتُ.............بَعِلیٍ علی مضافّالیه است می‌شود **ما مررت.........اِلا بِعَلی**

راه دوّم اینست که بجای مستثنی منه حکم کلمه اَحَد بیاوریم هر اعرابی که اَحَد گرفت همان اعراب برای مستثنی قرار دهیم

مانند: **ما جاءَاَحَدٌ الا عَلِیٌّ** **اَحَد** فاعل واقع شده مرفوع است

پس اعراب مستثنی ما مرفوع است.

حکم مستثنی مفرغ:
۱ـ مرفوع است اگر بجای فاعل قرار گیرد : **ما جاءاِلاعَلِیٌّ**
۲ـ منصوب است اگر بجای مفعول واقع شود: **ما رابتُ اِلا علیاً**
۳ـ مجرور است اگر مضافّالیه واقع شود: ما مرَرتُ اِلا بعلیٍ

خود را بیازمایید

۱ـ در این جمله مستثنی چه مستثنی‌ای است؟ فَسَجَدَالملائکةُ الا اِبلیسَ

الف: مستثنی منقطع ب: مستثنی منفصل

ج: مستثنی مفرغ د: مستثنی منفی

۲ـ مواردیکه مستثنی منصوب است عبارت‌اند از.....................

الف: متصل مثبت و منفی ب: مفرغ منفی

ج: منقطع منفی د: منقطع مثبت و منفی متصل مثبت مفرغ در حالیکه مفعول باشد

۳ـ اعراب این مستثنی چیست؟ (ما جاءَ الرِّجالُ اِلا بناتهم)

الف: منصوب ب: مرفوع ج: مجرور د: به دو وجه می‌شود خواند هم منصوب هم مرفوع

۴ـ دراین جمله اعراب مستثنی چه حکمی دارد؟ (ما رایتُ حمید)

الف: منصوب ب: هم مرفوع هم منصوب ج: مرفوع د: مجرور

۵ـ نوع مستثنی را در این جمله تعیین کنید.

ما جاءَ اِلا سعیدُ

الف: مفرغ فاعل ب: مفرغ مفعول ج: متصل د: منقطع

حکم مستثنی منقطع:
- ۱ـ در صورت مثبت = منصوب
- ۲ـ در صورت منفی = منصوب

حکم مستثنی متصل:
- ۱ـ در صورت مثبت = منصوب است
- ۲ـ در صورت منفی بودن الف: منصوب ب: مرفوع

خلاصه درس بیست و دوم

۱ـ حکم مستثنی منقطع نصب است چه مثبت باشد یا منفی

۲ـ حکم مستثنی متصل در صورت مثبت بودن نصب است اگر منفی باشد هم نصب و هم رفع جایز است

۳ـ حکم مستثنی مفرّغ بستگی به جمله دارد

الف: اگر فاعل باشد مرفوع

ب: اگر مفعول باشد منصوب

ج: اگر مضافٌالیه باشد مجرور

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و سوّم

س۱ـ منادا را تعریف کنید؟

ج۱ـ منادا اسمی است که بعد از یکی از حروف ندا بیاید. مانند: یا عَلِیٌّ

س۲ـ حروف ندا را نام ببرید؟

ج۲ـ حروف ندا عبارت‌اند از:

أ (برای نزدیک)

أيْ (برای متوسط)

أیا ـ هیا (برای دور)

س۳ـ برای هریک از حروف یک مثال بزنید؟

ج۳ـ أ ـ مانند: **أ عَلِیٌّ ـ أ عَبدَ اللهِ**

أی ـ **أی عَلِیٌّ**

ایا ـ هیا: أیا عَلِیٌّ

س۴ـ اعراب منادی چیست؟

ج۴ـ اگر منا دی ما مفرد معرفه ـ یا نکره مقصوده باشد مرفوع خواهد بود.

مانند: یا اللهُ ـ مفرد معرفه.

مانند: یا رَجُلُ ـ نکره مقصوده

حروف ندا:
- ۱- أ برای منادای نزدیک.
- ۲- أی برای منادای متوسط.
- ۳- أیا برای منادای دور.
- ۴- هیا برای منادای دور.

۲ـ و اگر منادی مضاف یا نکره غیر مقصوده باشد منصوب خواهد بود
مانند: **یا غفّارَالذّنوبِ** : مضاف
مانند: **یا رَجُلا خُذ بیدی** : نکره غیر مقصوده ـ کدام شخص نابینا

س۵ـ گفتیم اگر منادی مفرد باشد، مراد از این مفرد چیست؟
ج۵ـ مفرد بر سه قسم است:
۱ـ مفرد در مقابل تثنیه ۲ـ مفرد در مقابل جمع ۳ـ مفرد در مقابل مضاف
مراد ما مفرد در مقابل مضاف است اگر تثنیه و جمع باشد اشکال ندارد.

س۶ـ مراد از نکره مقصوده و غیر مقصوده چیست؟
ج۶ـ نکره مقصوده: متکلم هنگام ندا او را نمی‌شناسد ولی او را می‌بیند.
نکره غیر مقصوده: متکلم هنگام ندا او را نمی‌شناسد و نمی‌بیند.
مانند: شخص کور ـ یا کسی از پشت دیوار کسی را صدا بزند.

احکام منادا:
۱- اگر منادای ما مفرد معرفه باشد مرفوع است،
مانند: **یا اللهُ**
۲- اگر منادای ما نکره مقصوده باشد مرفوع است،
مانند: **یا رَجُلُ**
۳- اگر منادای ما مضاف باشد منصوب است،
مانند: **یا غفّارَ الذّنوب**
۴- اگر منادای ما نکره غیر مقصوده باشد منصوب است.
مانند: **یا رَجُلَ خُذ بِیَدی**

حروف ندا:
حروف ندا:
۱ـ أ برای نزدیک ـ **أ عَلِیُ**
۲ـ أی ـ برای متوسط ـ **أی عَبد اللهِ**
۳ـ أیا هَیاء برای دور ـ **أیا عَبدَاللهُ**

انواع منادی:
- ۱ـ منادی مفرد ـ در مقابل مضاف
- ۲ـ منادی مضاف
- ۳ـ منادی مرّخم (یعنی دم بریده)
- ۴ـ ندبه = دعا
- ۵ـ استغاثه =

اعراب منادی:
- ۱ـ اگر مفرد معرفه ـ یا نکره مقصوده باشد منصوب است
- ۲ـ اگر مضاف و نکره غیر مقصوده باشد منصوب است

مراد از مفرد:
- ۱- مفرد در مقابل تثنیه
- ۲- مفرد در مقابل جمع
- ۳- مفرد در مقابل مضاف (مراد از مفرد همین نوع است)

خود را بیازمایید

۱ـ حروف ندا عبارت‌اند از؟

الف: أ ـ هل ـ اِ ی　　ب: یاء ـ هیا ـ لا

ج: أ ـ ایا ـ هَیا ـ أی　　د: اِلا ـ ما ـ أ ـ أی

۲ـ منادی اسمی است که.................؟

الف: بعد از حروف ندا می‌آید.　　ب: قبل از حروف ندا می‌آید.

ج: بعد از حروف استثنا می‌آید.　　د: در جمله مفرد و مضاف می‌آید.

۳ـ اعراب منادی در مفرد معرفه و نکره مقصوده...................است و در مضاف و نکره غیر مقصوده است.

الف: جر و نصب　　ب: نصب و رفع　　ج: رفع و نصب　　د: رفع و جر

۴ـ حروف ندا برای دور............ برای متوسط............برای نزدیک............

الف: أیا ـ هیا ـ أی ـ أ.　　ب: أ ـ أ یا ـ هَیا.

ج: أی ـ هیا ـ أ　　د: أ ـ أی ـ آیا ـ هَیا

۵ـ یا عَلّام العیوبِ چه نوع منادائی است؟و اعراب آن چیست؟

الف: منادای مضاف و نصب   ب: منادای مضاف و جر

ج: منادای مفرد ونصب   د: منادای مضاف و رفع

۶ـ نکره مقصوده عبارت است از..................و نکره غیر مقصوده عبارت است از.....................

الف: متکلم هنگام ندا اورا نمی‌شناسد و نمی‌بیند ـ متکلم هنگام ندا اورا می‌شناسد و نمی‌بیند.

ب: و می‌بیند ـ   نمی‌شناسد و نمی‌بیند.

ج: می‌شناسد و می‌بیند ـ   می‌شناسد و نمی‌بیند.

د: نمی‌شناسد و نمی‌بیند ـ   می‌شناسد و می‌بیند.

۷ـ کدامیک از این دو عبارات زیر صحیح است و کدامیک غلط است؟ یا النّاسُ ـ یا الله

الف: یا النّاس،درست ـ یا الله غلط   ب: هر دو عبارت صحیح است

ج: هر دو عبارت غلط است.   د: یا النّاس غلط و یا الله صحیح است.

۸ـ یا مقلِّبَ القلوب چه منادی است و اعرابش چیست؟

الف: مضاف ومجرور   ب: مفرد و مرفوع

ج: مضاف ومرفوع   د: مضاف و منصوب

۹ـ یا جَعفَر چه منادی است و اصلش چه بوده؟

الف: منادی مر خم یا جَعفَرُ بوده.   ب: منادی مفرد ـ یا جَعفَرُ

ج: منادی ندبه یا جعفر بوده.   د: منادی مضاعف بوده یا جعفر ابن ابی طالب

۱۰ـ من سَمِعَ رَجُلاً ینادی یا لَلمسینَ. کدامیک منادا و از چه نوع منادای است.

الف: رجلاً مفرد   ب: ینادی، مضاف

ج: یا للمسین ـ استغاثه   د: سَمِعَ ـ فعل

۱۱ـ یُو سُفُ أعرِض عَن هذا. در این جمله منادی کدام و حرف ندا کدام است؟

الف: هذا منادی ـ عن حرف ندا   ب: عرض منادی ـ أ حرف ندا

ج: اعرض منادی ـ یوسف حرف ندا   د: یوسف منادا حرف ندا حذف شده

۱۲ـ دراین جمله منادی کدام و ایتُها چه نقشی دارد؟ یا أیتها المراة

الف: ایتها خودش منادی است

ب: مرأة منادی است و چون ال دارد ایتها آمده

ج: مرأة منادی وچون ال دارد مونث است ایتها آمده

د: منادی محذوف است

خلاصه درس بیست و سوم

۱ـ منادا اسمی است که بعد از یکی از حروف ندا بیاید.

۲ـ حروف ندا عبارت‌اند از أ ـ آی ـ ایّا ـ هَیا.

۳ـ منادای مفرد معرفه مرفوع است.

۴ـ منادای نکره مقصوده مرفوع است.

۵ـ منادای مضاعف منصوب است.

۶ـ منادای نکره غیر مقصوده منصوب است.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و چهارم

س۱ـ آیا حروف ندا با الف و لام (ال) جمع می‌شوند؟

ج۱ـ حروف ندا با ال جمع نمی‌شوند یا النّاسُ گفته نمی‌شود

اگر بخواهیم با ال جمع کنیم باید کلمه اَیُّها برای مذکر و اَیَّتُها برای مونث بین حرف ندا و کلمه ایکه (ال) دارد بیاوریم

مانند: **یا اَیُّها النّاسُ** مذکر

یا اَیَّتُها النفسُ مونث

البته کلمه الله استثنا است بین کلمه الله وحرف ندا چیزی فاصله نمی‌شود.

یا الله

س۲ـ آیا حرف ندا حذف می‌شود؟

ج۲ـ بلی، ممکن است گاهی حرف ندا حذف شود

مانند: **رَبّنا ظَلَمنا اَنفُسَنا** ـ که یا رَبّنا بوده

یُو سُفُ اَعرِضْ ـ یا یوسف بوده

و درکلمه الله اگر حرف ندا حذف شود درآخر آن میم مشَدّدی می‌آید. (یعنی تشدید دار)

مانند: **یا اللهُ = اَللهُمَّ**

س۳ـ منادای مرَخّم چه نوع منادای است؟

ج۳ـ ترخیم در لغت یعنی دُم بریده و مصدر باب تفعیل است و اصطلاحاً به منادایی که کوتاه شده یا حرف آخرش حذف شده به خاطر اختصار در کلام گفته می‌شود.

مانند: یا **حارِثُ** که می‌گویند یا حارِ ـ ثاء را به خاطر اختصار حذف نموده‌اند.این عمل نوعاً در شعر می‌آید.

س۴ـ اعراب منادای مرخم چیست؟

ج۴ـ بعد از حذف حرف آخر هر اعرابی که قبلاً همان حرف ما قبل داشته با همان اعراب می‌آید.

مثال: یا **حارِثُ** بعد از حذف مِی‌شود یا حارِ.

س۵ـ ندبه چه نوع منادائی است و چه گونه ساخته می‌شود؟

ج۵ـ نوع دیگری از ندا ندبه است شخص هنگام درد و رنج محبوبش را صدا میزند. و او را بر سر اسم در می‌آوریم و الف و هاء ساکنی را به آخرش اضافه می‌کنیم.

مانند: **وا محمداهْ وا محبّتاه**

س۶ـ استغاثه چیست و چگونه ساخته می‌شود؟

ج۶ـ استغاثه کمک و یاری خواستن از کسی است در موقع گرفتاری.

طرز ساختن آن آوردن حرف ندا ـ یاـ و لام مفتوحه لَ بر سر اسم.

مانند: **یا أللهِ ـ یا لَثاراتِ الحسین - یا لَلحُسین**

س۷ـ چرا کلمه الله و لثارات و حسین، مجرورند؟

ج۷ـ این کلمات بواسطه لام مجرور شده‌اند.

از کسی که طلب کمک می‌شود مستغاث گویند و مجرور است.

انواع منادی:

۱ـ منادای مفرد ـ مانند: یا عَلِیّ

۲ـ منادای مضاف مانند: ـ یا عَبدَاللهِ

۳ـ منادای مرخّم (یعنی حروف آخرش حذف شده) مانند: حارَ یا حارَ

۴ـ منادای ندبه مانند: وا محمداه

۵ـ منادای استغاثه = مانند: یا لَلحُسَین

اعراب منادای:
- ۱ـ منادای مفرد ـ مرفوع است
- ۲ـ نکره مقصوده مرفوع است
- ۳ـ مضاف ـ منصوب است
- ۴ـ نکره غیر مقصوده ـ منصوب است
- ۵ـ منادای مرخم هر اعرابی که حرف ما قبل از حذف درشته همان اعراب است
- ۶ـ منادای استغلثه بواسطه لام مجرور است
- ۷ـ منادای ندبه الف و لام سا کنی به آخرش اضافه می‌شود.

خلاصه درس بیست و چهارم:

۱ـ حروف ندا با الف و لام (آل) جمع نمی‌شوند.

۲ـ اگر بخواهیم با الف و لام بیاوریم باید (أَيُّها برای مذکر ـ ايَّتُها برای مونث) بیاوریم.

۳ـ گاهی حرف ندا حذف می‌شود.

۴ـ منادای مرخّم حرف آخرش حذف می‌شود.

۵ـ منادای مرخم منادائی است که حرف آخرش حذف شده باشد.

۶ـ منادای ندبه منادائی است که شخص هنگام درد و رنج محبوبش را صدا می‌زند.

۷ـ منادای استغاثه کمک و یاری خواستن از کسی است در موقع گرفتاری.

/۸ـ حروف ندا با الف و لام جمع نمی‌شود. و اگر بخواهیم جمع کنیم باید ایها برای مذکر و ایتها برای مونث بیاوریم.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و پنجم

اسم‌های منصرف و غیر منصرف

س۱ـ اسم منصرف را تعریف کنید؟

ج۱ـ اسم منصرف اسمی است که تنوین در آخرش ظاهر شود و حرکات مختلف اعراب را بپذیرد.

مانند: سعید در.قال سعیدٌ = فاعل است و مرفوع

عرفتُ سعیداً = مفعول است ومنصوب

سمعتُ من سعیدٍ = که مجرور است به حرف جر

س۲ـ اسم غیر منصرف را تعریف کنید؟

ج۲ـ اسم غیر منصرف اسمی است که تنوین و کسره نمی‌گیرد.

مانند: ابراهیم در:

قال ابراهیمُ: ابراهیم فاعل است، علامت رفع ضمه است.

عرفتُ ابراهیمَ: ابراهیم مفعول است، علامت نصب فتحه است.

سمعتُ مِنْ ابراهیمَ: ابراهیم مجرور است، علامت جر فتحه است.

س۳ـ فرق بین اسم منصرف و غیر منصرف را بنویسید؟

ج۳ـ اسماء غیر منصرف تنوین و کسره نمی‌گیرند و اسماء منصرف تنوین و همه را اعراب می‌گیرند.

س۴ـ اسباب منع صرف چندتاست؟

ج۴ـ اسباب منع صرف عبارتند از:

۱ـ علم بودن

۲ـ جمع بودن

۳ـ وصف بودن
۴ـ الف تأنیث داشتن
این ۴ تا اسباب منع صرف هستند و هر یک دارای شرایطی هستند که ذکر می‌شود.

اسباب منع صرف:
۱ـ علم بودن ـ یعنی در اسمی مشهور شود
۲ـ جمع بودن
۳ـ وصف بودن ـ صفت واقع شود
۴ـ الف تأنیث داشتن

اسماء:
۱ـ منصرف تنوین و اعراب می‌گیرد
۲ـ غیر منصرف تنوین و کسره نمی‌گیرد

س۵ـ عَلَم بودن یعنی چه؟ و در چه شرایطی غیر منصرف است؟
ج۵ـ علم یعنی = اسمی برای شخصی یا شیئ زیاد استعمال شود.
و در صورتی غیر منصرف است که این شرایط را دارا باشد.
۱ـ الف و نون زائد داشته باشد مانند: عثمان ـ سلمان
این دو اسم علم شده برای دو فرد مشهور و چون الف و نون زائد دارد غیر منصرف است.
۲ـ غیر عربی باشد یعنی عجمی مانند: ابراهیم ـ بهرام
این دو اسم علم شده برای دو فرد و غیر عربی است و غیر منصرف است.
۳ـ بر وزنِ فعل باشد مانند: یزید ـ اکبر هر دو اسم‌اند برای دو فرد علم شده‌اند. اما چون وزن فعلی دارند غیر منصرف‌اند.
۴ـ مرکب مزجی باشد مانند: **بَعل بَک ـ بیت الّحم**.
که بعل اسم و بَک اسم با هم مرکب شده و نام محلی در لبنان است.
و بیت نام خانه و لحم گوشت مرکب شده نام محلی در بیت المقدس است.

مرکب مزجی یعنی دو اسم یا بیشتر مرکب شده باشد وَ عَلَم برای کسی باشد و هیچ گونه نسبتی بین آنها نباشد

۵ـ مونث باشد مانند: زینب و فاطمه دو اسم هستند علم شده‌اند برای دو شخص و مونث هم هستند لذا غیر منصرف هستند.

۶ـ معدول باشد یعنی از کلمه دیگر عدول کرده باشد بدون تغییر معنا.

ج۶ـ مانند: عُمر که اصلش عامر بوده تبدیل شده و معنایش تغییر نکرده لذا غیر منصرف است.

س۷ـ شرایط وصف (صفت) بودن چیست؟

ج۷ـ وصف در صورتی اسباب منع صرف است که

۱ـ بر وزن فعلان باشد (مذکر) و فعلی (مونث) باشد.

مانند: **عطشان** مرد تشنه اسم وصف است و بر وزن فعلان آمده

عطشی زن تشنه لذا اسباب منع صرف است.

۲ـ بر وزن **اَفعَل** باشد

مانند: **اَحمر ـ اَبیَض ـ اَفضَل**

این‌ها وصف هستند و بر وزن افعل آمده‌اند لذا غیر منصرف هستند.

شرایط عَلَم بودن:

۱- الف و نون زائد داشته باشد مثل عثمان و سلمان

۲- غیر عربی باشد یعنی عجمی باشد، مانند: ابراهیم- بهرام

۳- مؤنث باشد، مانند: زینب- فاطمة.

۴- مرکب مزجی باشد، مانند: بعل و یک که شده بعلبک

۵- معدول باشد یعنی از کلمه‌ای به کمله دیگر عدول کرده باشد بدون تغییر معنا، مانند: عمر که از عامر بود.

خود را بیازمایید

س۱ـ اسم غیر منصرف یعنی چه؟

الف: یعنی صرف نمی‌شود　　ب: یعنی تنوین نمی‌گیرد

ج: یعنی اعراب نمی‌گیرد　　د: یعنی تنوین و کسره نمی‌گیرد.

شرایط وصف:
۱- بر وزن أفعل باشد، مانند: اکبر – ابیض
۲- بر وزن فعلان باشد، «مذکر» مانند: عطشان- مرد تشنه
۳- بر وزن فُعلی باشد، «مؤنث» مانند: عطشی – زن تشنه

۲ـ اسم منصرف یعنی چه؟

الف: اسم است که تنوین می گیرد　　ب: تنوین با تمام حرکات می‌پذیرد.

ج: حرکات را می‌پذیرد　　د: اعرابش تقدیری است.

۳ـ در این جمله اسم غیر منصرف را پیدا کنید؟ (لَقَد خَلَقنَا الاِنسانَ فِی أَحسَنِ تَقویم)

الف: احسن　ب: تقویم　ج: انسان　د: احسنِ

۴ـ در این جمله چرا اسم منصرف مجرور شده؟ (لسانُ العاقِلِ وَراءُ قَلبِهِ وَقَلبُ الاَحمقِ وَراءَ لِسانِهِ)

الف: حرف جر بر او وارد شده

ب: چون اضافه شده

ج: چون الف و لام دارد

د: چون مبتداء واقع شده

۵ـ کدام یک از این اسمها غیر منصرف هستند؟ (اصغر ـ کرمان ـ سعید ـ رجل ـ عمران)

الف: اصغر ـ عمران　　ب: اصغر ـ کرمان ـ سعید

ج: سعید ـ رجل　　د: اصغر ـ کرمان ـ عمران

۶ـ اسباب منع صرف عبارتند از؟

الف: علم ـ عدل ـ صرف ـ الف و نون زائد

ب: مرکب ـ وزن الفعل ـ وصف ـ الف زائده

ج: علم ـ وصف ـ جمع ـ الف تأنیث

د: علم ـ وصف ـ مونث ـ غیر عربی

۷ـ شرایط علم بودن چیست؟

الف: الف و نون زائد ـ غیر عربی ـ وزن الفعل ـ مونث ـ مرکب ـ معدول

ب: الف و نون زائد ـ وصف ـ مونث ـ الف زائده ـ وزن الفعل ـ جمع

ج: الف: الف تأنیث ـ نون زائد ـ غیر عربی ـ معدول

د: غیر عربی ـ جمع ـ وصف ـ الف و نون زائده

۸: شرایط وصف چیست؟

الف: وزن افعل　　　ب: وزن مفاعل

ج: وزن فعلی　　　د: وزن فعلان (مذکر) و فعلی (مونث)

خلاصه درس بیست و پنجم

۱ـ اسم

۱ـ منصرف = هم تنوین می‌گیرد هم اعراب

۲ـ غیر منصرف = تنوین و کسره نمی‌گیرد

۲ـ اسباب منع صرف

۱ـ علم بودن

۲ـ جمع بودن

۳ـ وصف بودن

۴ـ الف و نون تأنیث داشتند

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و ششم

س۱ـ جمع در چه صورتی غیر منصرف است؟

ج۱ـ گفتیم اسباب منع صرف ۴ تاست دو تای آنها را در درس قبل گفتیم.
علم و وصف را سوّمی آن جمع است و جمع در صورتی غیر منصرف است که دو شرط داشته باشد.

س۲ـ شرایط جمع را بنویسید؟

ج۲ـ شرایط جمعی که غیر منصرف است عبارت است از:

۱ـ آن جمع بر وزن مفاعل باشد مانند: مکارم

۲ـ بر وزن مفاعیل باشد مانند: مفاتیح

س۳ ـ الف تأنیث در چه صورتی غیر منصرف است؟

ج۳ـ الف تأنیث بدون هیچ قید و شرطی غیر منصرف است.

س۴ـ برای الف تأنیث مثال بزنید؟

ج۴ـ الف تأنیث مانند: عذرا، حمراء، کبری، عطشی
که این‌ها دارای الف تأنیث هستند و غیر منصرفند.

س۵ـ اسم غیر منصرف در چه صورتی کسره می‌پذیرد؟

ج۵ـ گفتیم اسم غیر منصرف کسره نمی‌پذیرد مگر در دو حالت.

۱ـ اگر به کلمه دیگری اضافه شود مانند: **اشرفِ الانبیاء**
اشرف اضافه شد کسره گرفته

۲ـ یا اگر (ال) بر سر آن در آید مانند:
المساجد فی المساجد
چون (ال) بر او وارد شده کسره گرفته

س۶ـ آیا غیر منصرف تنوین می‌گیرد؟

ج۶ـ خیر اسم غیر منصرف اصلاً تنوین نمی‌گیرد.

شرایط جمع:
- ۱- جمع باید بر وزن مفاعِل باشد، مانند: مساجد
- ۲- بر وزن مفاعیل باشد، مانند: مفاتیح

شرائط کسره پذیری:
- ۱- اسم غیر منصرف اگر اضافه شود کسره می‌پذیرد.
- ۲- اسم غیر منصرف الف و لام گیرد کسره می‌پذیرد.

خود را بیازمایید

۱ـ فرق بین اسم منصرف و غیر منصرف در چیست؟

الف: منصرف تنوین می‌گیرد و غیر منصرف تنوین نمی‌گیرد.

ب: منصرف تنوین نمی‌گیرد، غیر منصرف تنوین می‌گیرد.

ج: منصرف آن است که تنوین و اعراب چهار گانه بپذیرد و غیر منصرف تنوین و کسره نمی‌پذیرد.

د: منصرف تنوین و کسره نمی‌پذیرد و غیر منصرف تنوین و اعراب چهار گانه را می‌پذیرد.

۲ـ اسباب منع صرف چندتاست؟

الف: اسباب منع صرف عبارتند از ـ الف و نون زائده ـ وصف ـ جمع بودن

ب: علم ـ وصف ـ جمع بودن ـ الف تأنیث داشتن

ج: وصف ـ بر وزن مفاعل یا مفاعیل بودند ـ و غیر عربی بودند.

د: بر وزن فعل باشد ـ الف و نون زائد داشته باشد ـ عدول کرده باشد.

۳ـ شرایط علم بودن را بنویسید؟

الف: شرایط علم این است که غیر عربی باشد بر وزن فعل باشد ـ الف و نون زائده ـ مونث ـ مرکب مزجی ـ عدول ـ وصف بر وزن فعلان و فعلی.

ب: وصف ـ عدل ـ وزن فعل ـ

ج: غیر عربی ـ الف و نون زائده ـ مونث.

د: مرکب مزجی ـ وزن الفعل و فعلی

۴ـ دو وزن جمع غیر منصرف را بنویسید؟

الف: مکارم ـ مساجد ب: احمر ـ ابیض

ج: مکارم ـ مصابیح د: کبری ـ حمراء

۵ـ برای الف تأنیث دو مثال بزنید؟

الف: احمر ـ ابیض ب: مساجد ـ معابر

ج: اصدقاء ـ عذراء د: عطشان ـ شبعان

۶ـ چرا سلیمان غیر منصرف است؟

الف: برای اینکه الف و نون زائده دارد ب: چون علم است و الف و نون زائده دارد

ج: چون بر وزن فعل است. د: برای اینکه علم است.

۷ـ مجالس چرا غیر منصرف است؟

الف: چون جمع است ب: برای اینکه علم است

ج: برا اینکه بر وزن مفاعل است د: چونکه جمع است و بر وزن مفاعل

۸ـ در جمله (لَقَد خَلَقناَالاِنسانَ فی احسَنِ تَقویم) چرا احسن که غیر منصرف است مجرور واقع شده؟

الف: برا ی اینکه بر وزن افعل است ب: برای اینکه مضاف واقع شده

ج: چونکه فی برسر آن آمده د: برای اینکه غیر منصرف است.

۹ـ در جمله (قَلبُ الاَحمقِ وراءِ لِسانِهِ)چرا احمق مجرور شده؟

الف: مضاف واقع شد ب: غیر منصوب با الف و لام آمده

ج: بر وزن افعل آمده د: احمق منصرف است.

خلاصه درس بیست و ششم

۱ـ جمع در صورتی غیر منصرف است که دو شرط داشته باشد

۱ـ بر وزن مفاعل باشد

۲ـ بر وزن مفاعیل باشد

۳ـ الف تأنیث بدون هیچ قید و شرطی غیر منصرف است

۴ـ اسم غیر منصرف اگر اضافه شود یا الف و لام بر او وارد شود کسر ـِ می‌گیرد.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و هفتم

س۱ـ توابع یعنی چه؟

ج۱ـ برا ی اینکه روشن شود توابع چه نوع اعرابی است، لازم است که انواع اعراب را بشناسیم.

س۲ـ اعراب بر چند قسم است؟

ج۲ـ به عبارتی اعراب بر دو قسم است: ۱ـ اصلی ۲ـ تَبَعی

س۳ـ اعراب اصلی چه نوع اعرابی است؟

ج۳ـ به اعرابی اصلی می‌گویند که کلمه بنا بر موضعی که در جمله دارد مستقلاً اعراب می‌گیرد.

مانند: **جاءَ رَجُلٌ** رجل مرفوع است.چون فاعل است

مانند: **رأیتُ رُجلا** رجل مفعول است و منصوب.بنا بر مفعول بودن

تا بحال هر چه از اعراب و مواضع آن گفته شده اعراب اصلی بوده.

س۴ـ اعراب تبعی را تعریف کنید؟

ج۴ـ به اعرابی تبعی می‌گویند که در اعراب تابع کلمه قبلی می‌باشد، به این نوع اعراب توابع می‌گویند.

پس توابع جمع تابع است و تابع یعنی پیرو ـ این کلمات از کلمات قبلی خود در اعراب پیروی می‌کنند.

س۵ـ توابع بر چند قسم است؟

ج۵ـ توابع بر ۴ قسم است: ۱ـ صفت ۲ـ تأکید ۳ـ عطف ۴ـ بدل

اعراب
- ۱- اعراب اصلی
- ۲- اعراب تابعی یا تبعی

س۶ـ صفت یعنی چه؟

ج۶ ـ صفت که به آن نعت نیز می‌گویند حالت و چگونگی کلمه ما قبل خود را بیان می‌کند.

س۷ـ به کلمه ما قبل صفت چه می‌گویند؟

ج۷ـ کلمه ما قبل صفت را موصوف می‌گویند که به این جمله صفت و موصوف ـ یا تابع و متبوع می‌گویند.

مانند: **«جاءَ عليٌّ شجاعٌ»** که شجاع صفت است و علی موصوف در اعراب تبعیت نموده صفت از موصوف.

انواع تابع:
- ۱- صفت
- ۲- تأکید
- ۳- بدل
- ۴- عطف
  - ۱- عطفِ نسق
  - ۲- عطف بیان

س۸ـ در چند مورد صفت از موصوف تبعیت می‌کند؟

ج۸ـ صفت در ۴ مورد از موارد دهگانه از موصوفش مطابقت می‌کند.

س۹ـ آن موارد دهگانه چیست؟

ج۹ـ موارد دهگانه عبارتند از:

رفع و نصب و جر و مفرد و مثنی و جمع و مذّکر و مؤنّث و مَعرفه و نکره یعنی اگر موصوف مرفوع باشد یا منصوب تا آخر صفت هم همان حرکت را خواهد داشت.

پس صفت از موصوف تبعیت می‌کند.

موصوف:
- ۱- مرفوع – منصوب – مجرور
- ۲- مفرد- مثنی- جمع
- ۳- مذکر- مونث
- ۴- معرفه و نکره

صفت همین حالات را خواهد داشت

یعنی اگر موصوف- مرفوع یا منصوب یا مجرور باشد صفت هم همینطور خواهد بود.

اگر موصوف- مفرد یا تثنیه یا جمع باشد- صفت هم ...... همان حالت را خواهد داشت.
اگر موصوف- مذکر یا مؤنث باشد صفت هم همینطور
اگر موصوف- معرفه یا نکره باشد صفت هم همینطور
تبعیّت صفت از موصوف در ۴ مورد از موارد ۱۰ گانه است

۱ـ رفع و نصب و جر (اعراب ثلاثه) ۲ـ مفرد و مثنی و جمع
۳ـ مذکر و مونث ۴ـ معرفه و نکره

مانند: جاءَ رجلٌ = عالمٌ صفت است.
عالمٌ مرفوع است چون رجل مرفوع است.
عالمٌ مفرد است چون رجل مفرد است.
عالمٌ مذّکر است چون رجل مذکر است.
عالمٌ نکره است چون رجل نکره است.

موصوف اگر...
- ۱- مرفوع یا منصوب یا مجرور باشد صفت هم این اعراب را خواهد داشت.
- ۲- مفرد یا تثنیه یا جمع باشد صفت هم این حالت را خواهد داشت.
- ۳- مذکّر یا مؤنث باشد صفت هم مذکر و مؤنث خواهد بود.
- ۴- معرفه یا نکره باشد صفت هم همین طور خواهد بود.

صفت بر سه قسم است
- ۱ـ جمله اسمیّه ـ فِعلیّه
- ۲ـ شبه جمله ظرفیه ـ جار و مجرور
- ۳ـ مفرد جامد ـ مشتَق

جمله بر سه قسم است:
- ۱- جمله اسمیه= جمله‌ایست که با اسم شروع شود
- ۲- جمله فعلیه= جمله‌ایست که با فعل شروع شود
- ۳- شبه جمله- و آن یا ظرف است یا جار و مجرور

خلاصه درس بیست و هفتم

۱ـ توابع جمع تابع است. در کلیه موارد از ما قبلش تبعیّت می‌کند
می گویند (تابع و متبوع)

۲ـ اعراب اصلی.خود مستقلاً اعراب می‌گیرند.

۳ـ اعراب تبعی. تابع اعراب قبلی می‌باشند

اعراب

۱ـ اصلی = مستقلاً اعراب می‌گیرند مانند: فاعل ـ مفعول

۲ـ اعراب تبعی ـ تابع اعراب کلمه قبل هستند.

۴ـ توابع

۱ـ صفت (نعت) ۲ـ تأکید ۳ـ عطف (بیان ـ نسق) ۴ـ بدل

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و هشتم

س۱ـ صفت بر چند قسم است؟

ج۱ـ صفت بر سه قسم است:

۱ـ جمله

فعلیه مانند: **جاءَرجل یرکض** (یرکض حال است و جمله فعلیه)

اسمیه مانند: **جاء رجل ابوه عالم** (ابوه حال جملیه اسمیه)

۲ـ شبه جمله

جارو مجرور مانند: **رایت رجلاً علی الشجره** (علی الشجره جارو مجرور)

ظرفیه مانند: **رایت رجلاًفوق المنبر** (فوق المنبر ظرفیه)

۳ـ مفرد

مشتق مانند: جاء رجل عادل (عادل مشتق)

جامد مانند: جاء رجل اسد (اسد جامد)

س۲ـ فرق بین حال و صفت چیست؟

ج۲ـ هرگاه جمله یا شبه جمله معرفه قرار گرفت آن حال است.

و هر گاه جمله یا شبه جمله بعد از اسم نکره قرار گرفت آن صفت است.

در مثال‌های درس حال و صفت دقت کنید.

س۳ـ تأکید یعنی چه؟

ج۳ـ تأکید کلمه ایست که برای تنثیب و تأکید ماقبلش می‌آید. مانند:

جاء علیٌّ علیٌّ = علی دوم تأکید برای علی اول

جاء جاء علیٌّ = جاء دوم تأکید برای جاء اول

س۴ـ تأکید بر چند قسم است؟

ج۴ـ تأکید بر دو قسم است:

۱ـ تأکید لفظی
۲ـ تأکید معنوی

تأکید لفظ عین لفظ تکرار می‌شود. مانند: جاء علیٌّ علیٌّ

تأکید معنوی آنست که موکد بوسیله یکی از الفاظ تأکید، تأکید شود.

مانند: جاء علی نَفسُه (نفس از الفاظ تأکید است).

س۵ـ الفاظ تأکید چند تا است؟

ج۵ـ الفاظ تأکید عبارتند از:

نفس و عین (برای مفرد)

کلا و کلتا (برای مثنی)

کل و جمع و عامه (برای جمع)

صفت:
- ۱- جمله:
  - ۱- اسمیه، مانند:
  - ۲- فعلیه، مانند:
- ۲- شبه جمله:
  - ۱- ظرف، مانند:
  - ۲- جار و مجرور، مانند:
- ۳- مفرد:
  - ۱- جامد
  - ۲- مشتق

تأکید:
- ۱- معنوی، به وسیله الفاظ تأکید می‌شود:
  - ۱- برای مفرد: نفس - علن
  - ۲- برای تثنیه: کلا – کلتا
  - ۳- برای جمع: کل - جمع - عامه
- ۲- تأکید لفظی، عین لفظ تکرار می‌شود، مانند: جاءَ عَلِیٌّ عَلِیٌّ

خود را بیازمایید

۱ـ در جمله (اَلمؤمنونَ القانِتونَ هُم الفائزونَ) صفت و موصوف را بیان کنید.

الف: مؤمن صفت قانتون موصوف　　ب: مؤمن موصوف ـ فائزون صفت

ج: فائزون موصوف ـ قانتون صفت　　د: قانتون صفت ـ مؤمنون موصوف

۲ـ در جمله (الاِسلام دینٌ کاملٌ) صفت از موصوف در چه چیزهایی متابعت نموده؟

الف: در رفع ـ مفرد ـ نکره ـ مذکر

ب: در رفع ـ نصب ـ جر

ج: در مفرد ـ تثنیه و جمع

د: در مذکر و مونث

۳ـ اعراب محلی اعرابی است که .... ؟

الف: تابع خودش است　　ب: تابع اعراب کلمه قبلش می‌باشد.

ج: دارای اعراب مستقل می‌باشد.　　د: بستگی به عامل دارد.

۴ـ توابع بر .... قسم است و عبارتند از؟

الف: سه قسم ـ بدل ـ عطف بیان ـ تأکید

ب: ۴ قسم ـ بدل ـ عطف بیان ـ نسق ـ صفت

ج: ۴ قسم ـ بدل ـ تأکید ـ عطف ـ صفت

د: ۳قسم ـ بدل ـ عطف بیان ـ صفت

۵ـ در مثال (رجلین عالمین) موارد مطابقت عبارتند از:

الف: رجل مجرور ـ علم مجرور　　ب: رجل مذکر ـ عالم مذکر

ج: رجل معرفه ـ عالم معرفه ـ رجل جمع عالم جمع　　د: موارد الف و ب و جمع صحیح است

۶ـ (المؤمنات العالمات یجاهدن فی سبیل الله) چه نوع تأکیدی است؟

الف: معنوی　ب: لفظی　ج: تبعی　د: هیچکدام

۷ـ در این جمله (جاء علی الفاضل نفسه) چه تأکیدی بکار رفته

الف: لفظی　ب: اصلی　ج: معنوی　د: تبعی

خلاصه درس بیست و هشتم

۱ـ تأکید کلمه ایست که برای تثبیت و تأکید کلمه ما قبلش می‌آید.

۲ـ تأکید بر دو قسم است:

الف: تأکید لفظی

ب: تأکید معنوی

۳ـ تأکید لفظی عین لفظ تکرار می‌شود و تأکید معنوی بوسیله الفاظ تأکید، تأکید می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس بیست و نهم

س۱. عطف یعنی چه؟

ج۱. عطف یکی از توابع است و تابعی است که از متبوعش در اعراب پیروی می‌کند.

س۲- عطف بر چند قسم است؟

ج۲- عطف بر دو قسم است:

عطف:
- الف. عطف نسق
- ب. عطف بیان

س۳- عطف نسق را تعریف کنید:

ج۳- تابعی است که با یکی از حروف عطف به کلمه قبل از خود عطف می‌شود و فقط در اعراب از کلمه قبل تبعیت می‌کند. مانند: جاء سعیدٌ و محمدٌ.

س۴- حروف عاطفه را بیان کنید:

ج۴- حروف عاطفه عبارتند از: «واو، فاء، ثم، أو»

س۵- آیا عطف بر ضمیر جایز است یا فقط بر اسم ظاهر؟

ج۵- عطف بر ضمیر مرفوع متصل و ضمیر مستتر خوب نیست مگر به وسیله ضمیر منفصل تأکید شود.

یا فاصله‌ای میان تابع و متبوع باشد.

مانند:

ضَرَبْتُ و علیٌ، قبیح چون ضمیر متصل است (تُ متصل)

یضرب و علیٌ، قبیح چون ضمیر مستتر است (هو مستتر)

و ضربت انا و علیٌ، درست است زیرا با ضمیر منفصل تأکید شده **(انا منفصل)**

و **یضربُ هو و علیٌ**، درست است زیرا ضمیر بارز است (هو، بارز)

و ضربت الیوم و سعیدٌ، درست است زیرا الیوم فاصله شده.

عطف:
- ۱- عطف نَسَق: یعنی عطف به حرف.
- ۲- عطف بیان از متبوعش مشهورتر است.

۶- عطف نسق بر چند قسم است؟

بر دو قسم است:

الف: عطف اسم بر اسم، مانند: **أدرِس الصّرفَ اَوِ الّنحوَ.**

ب: عطف جمله بر جمله، مانند: **کُلُوا وَاشْرَبوا وَ لا تُصرِفوا.**

عطف:
- ۱- عطف اسم بر اسم
- ۲- عطف جمله بر جمله

خود را بیازمایید؟

۱- عطف بر ...... قسم است، عطف ...... و عطف ...... و عطف ......

الف: بر دو قسم، فسق و بیان.

ب: بر سه قسم، فسق و بیان و اسم بر اسم.

ج: یک، فسق.

د: بر دو قسم، اسم بر اسم و جمله بر جمله.

۲- عطف فسق ...... است ...... به کلمه پیش ...... شود.

الف: متبوعی، که با یکی از حروف عطف، عطف.

ب: تابعی، که با یکی از حروف عطف، عطف.

ج: اسمی است که، خود.

د: تابعی است که به وسیله ی اسمی، خود عطف.

۳- تابع در اعراب از متبوع تبعیت می‌کند یا خیر؟

الف: بلی. ب. خیر. ج: در بعضی موارد. د: با شرط.

۴- تابع مقدم است یا متبوع؟

الف: تابع. ب. متبوع. ج: گاهی تابع. د: گاهی متبوع.

۵- عطف نسق بر چند قسم است؟ نام ببرید:

الف: بر ۳ قسم، عطف به حرف، به اسم و به جمله.

ب: بر ۱ قسم، عطف به حرف.

ج: بر دو قسم، عطف اسم بر اسم، عطف جمله به جلمه.

د: هیچکدام.

۶- در جمله «کلوا واشربوا و لا تسرفوا» چه نوع عطفی است؟

الف: عطف جمله بر اسم. ب: عطف اسم بر اسم.

ج: عطف فعل بر است. د: عطف جلمه بر جمله.

خلاصه درس ۲۹

۱- عطف یکی از توابع است (از متبوعش در اعراب پیروی می‌کند)

۲- عطف:
- ۱- عطف نسق (به وسیله یکی از حروف عطف، عطف می‌شود)
- ۲- عطف بیان.

۳- حروف عاطفه:
- ۱- أو
- ۲- ثم
- ۳- واو
- ۴- فاء

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سی‌ام

س۱- عطف بیان چیست؟

ج۱- تابعی است که از متبوعش مشهورتر است و مانند صفت برای توضیح متبوعش می‌آید، مانند: «**ابو عبدالله الحسین**»، حسین تابع است و عطف بیان، چونکه از متبوعش که ابو عبدالله است مشهورتر است.

س۲- حکم عطف بیان از نظر مطابقت با متبوعش چیست؟

ج۲- یعنی در اعراب، جنس، عدد، معرفه، نکره بودن تابع متبوعش است.

مانند: «**جاءَ صاحبکَ علیٌّ**» علی که تابع است در مرفوع بوده مذکر بودن و معرفه بودن تابع صاحبک می‌باشد، صاحِبُ.

در این موارد عطف بیان تابع متبوعش می‌باشد:
- ۱- در اعراب یعنی هر اعرابی باشد.
- ۲- در عدد: مفرد، تثنیه، جمع.
- ۳- در معرفه بودن و نکره بودن.
- ۴- در جنس مذکّر و مؤنّث بودن.

انواع بدل:
- ۱- بدل کل از کل، مانند: **جاءَ سعیدٌ أخوکَ**، اخوکَ بدل کل از کل است.
- ۲- بدل بعض از کل، مانند: **تابَ عَلیٌّ قلْبُهُ**، قلب بدل جزء از کل است.
- ۳- بدل اشتمال، مانند: **أعْجَبَنی عَلِیٌّ شجاعته**، شجاعت بدل اشتمال است
- ۴- بدل مباین که بر دو قسم است:
  - ۱- غلط
  - ۲- بدل **بَدَأ** (پشیمانی)

س۳- بدل را تعریف کنید:

ج۳- بدل کلمه ایست که جانشین کلمه ماقبلش شده و مقصود اصلی از حکم همان بدل است.

مانند: «**سَقَطَ، السقَفُ، نِصفُهُ**» سَقطَ فعل ماضی، السقَفُ فاعل، نِصفُهُ بدل، حکم به سقف داده شده اما مقصود نصف می‌باشد.

س۴- بدل بر چند قسم است؟

ج۴- بدل بر چهار قسم است:

بدل:
- ۱- بدل کل از کل: بدل به جای تمام مبدل آمده.
- ۲- جزء از کل: بدل به جای جزئی از مبدل آمده.
- ۳- بدل ا: بدل بیان کننده یکی از متعلقات مبدل است.
- ۴- بدل مباین:
  - - بدل غلط: اشتباهاً به جای مبدل آمده.
  - ۲- بدل بداء: یا پشیمانی برای مبالغه می‌آید

خود را بیازمایید:

۱- عطف بیان چه نوع تابعی است؟

الف. تابعی است که متبوعش مشهورتر باشد.

ب. تابعی است که به وسیله ی یکی از حروف به متبوعش عطف می‌شود.

ج. تابعی است که از متبوعش مشهورتر است و برای توضیح متبوعش می‌آید.

د. تابعی است که در ردیف متبوعش می‌باشد.

۲- در این جمله عطف بیان کدام است: «أُذكُر عَبدَنا أيّوبَ»

الف. اذکر ب. ایوب ج. عبد ب. نا

۳- حکم عطف بیان چیست؟

الف. مطابقت با متبوعش در اعراب و جنس بودن

ب. مطابقت با متبوعش در عدد بودن

ج. مطابقت با متبوعش در معرفه و زکره بودن

د. هر سه صحیح است.

۵- بدل چه نوع تابعی است؟

الف. کلمه ایست که جانشین کلمه قبل شده

ب. بدل مانند مبدل منه می‌باشد.

ج. بدل کلمه ایست که جانشین کلمه قبل شده و مقصود از حکم همان بدل است.

د. بدل در حکم مبدل منه نمی‌باشد.

۵- در این جمله کدام بدل و کدام مبدل منه می‌باشد؟ «جاءَ سعيدُ اخوكَ»

الف. سعید بدل اخوک مبدل منه. ب. جاء بدل سعید مبدل منه.

ج. سعید بدل جاء مبدل منه. د. اخوک بدل بدل سعید مبدل منه.

۶- بدل بر چند قسم است؟ نام ببرید:

الف. بر ۵ قسم، کل از کل: جزء از کل. ا، مباین، غلط.

ب. بر ۶ قسم، کل از کل، جزء از کل، ، مباین، غلط، بداء.

ج. بر چهل قسم، کل از کل، جزء از کل، مباین.

د. بر چهار قسم، کل از کل، کل از جزء، جزء از کل، ...

خلاصه درس بیست و نهم

۱- عطف میان تابعی است که از مطبوعش مشهورتر است.

۲- عطف بیان حکم صفت و موصوف را دارد.

۳- بدل کلمه ایست که جانشین کلمه ماقبلش می‌شود.

۴- بدل بر چهار قسم است:

بدل:
- الف. بدل کل از کل
- ب. بعض از کل
- ج. بدل اشتمال
- د. بدل مباین

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سی و یکم

س۱- افعال مدح و ذم چند فعلند؟

ج۱- افعال مدح و ذم دارای سه فعلند که عبارتند از: «نِعَم، بِئسَ، ساءِ»

س۲- افعال مدح و ذم چه نوع افعالی هستند؟

ج۲- افعال مدح و ذم افعال جامدی هستند که برای ستایش یا نکوهش آورده باشد.

س۳- آیا این افعال صرف می‌شوند یا نه؟

ج۳- این افعال صرف نمی‌شوند فقط یک صیغه مؤنث و یک صیغه مذکر دارند.

نِعم: مذکر **نِعمت:** مؤنث

بئسَ: مذکر **بِئسَت:** مؤنث

ساءَ: مذکر **ساءَت:** مؤنث

س۴- فاعل این افعال بر چند قسم است؟

ج۴- فاعل این افعال بر دو قسم است:

۱- اسم ظاهر، **نعم الرجل سعیدٌ**

۲- ضمیر مستتر، نعم المولی که نعم هُوَ المولی بوده

س۵- اگر فاعل اسم ظاهر باشد چه شرطی دارد؟

ج۵- اگر فاعل این افعال اسم ظاهر باشد باید آن اسم با الف و لام بیاید.

افعال مدح و ذم:

۱- نعم؛ چه خوب است (مذکر)
۲- نعمت؛ چه خوب است (مؤنث)
۳- بئس؛ چه بد است (مذکر)
۴- بئست؛ چه بد است (مؤنث)
۵- ساءَ؛ چه بد است (مذکر)
۶- سائت؛ چه بد است (مؤنث)

فاعل افعال مدح و ذم:

۱- اسم ظاهر (شرطش این است که با الف و لام باشد)
مانند: **نعم الرجل سعیداً**، رجل فاعل است، اسم ظاهر با الف و لام آمده.

۲- ضمیر مستتر
مانند: **نِعم المولی**، که در اصل بوده: **نِعم هُوَ المولی**، هو فاعل و ضمیر مستتر.

خلاصه درس سی و یکم

۱- افعال مدح و ذم جامدند.

۲- مدح یعنی ستایش و ذم یعنی نکوهش.

۳- صیغه‌های افعال مدح و ذم:
۱- نِعم برای مذکر
۲- نعمت برای مؤنث
۳- بئس باری مذکر
۴- بئست برای مؤنث

۴- بعد از این افعال دو اسم می‌آیند که هردو مرفوع اند.
یکی فاعل و دیگری مخصوص به مدح و ذم.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سی و دوّم

س۱- افعال تَعَجب چه افعالی هستند؟

ج۱- افعالی که برای ایجاد تعجب آورده می‌شوند.

س۲- افعال تعجب دارای چند صیغه است؟

ج۲- افعال تعجب دارای دو صیغه هستند:
- الف. ما أفعَلَ
- ب. أفعِل به

س۳- افعال تعجب جامدند یا مشتق؟

ج۳- افعال تعجب مانند افعال مدح و ذم جامدند.

س۴- جملات زیر را ترکیب کنید:

ج۴- الف. **أجمل بِزَیدٍ:** اجمل فعل تعجب، باء زائده، زید فاعل و لفظاً مرفوع.

ب. **ما أکرَم سَعیداً:** ماء مبتداء موصول، اکرم فعل تعجب، هو فاعلش، سعیداً مفعول.

س۵- افعال تعجب چگونه ساخته می‌شود؟

ج۵- افعال تعجب از چیزی ساخته می‌شود که دارای دو شرط باشد.

الف. فعلی که از او مشتق می‌شود باید ثلاثی مجرّد باشد.

ب. از فعلی که دلالت بر عیب و رنگی کند نباشد.

نحوه‌ی ساختن فعل تعجب:
- ۱- فعلی که از او مشتق می‌شود باید ثلاثی مجرّد باشد.
- ۲- از فعلی که دلالت بر عیب و رنگی کند نباشد.

افعال تعجب:
- ۱- **ما أَفعَلَ**، فعل تعجب است و آنچه بر وزن **أَفعَلَ** باشد، مانند: أَحسَنَ زیداً.
- ۲- یا بر وزن أَفعِلْ باشد، مانند: أَحسِن بِعَلیٍّ

خلاصه درس

۱- افعال تعجب برای ایجاد تعجب آورده می‌شوند.

۲- افعال تعجب دارای دو صیغه هستند:

الف: ما أَفعَلَ

ب: أَفعِل به

۳- افعال تعجب صرف نمی‌شوند و مضارع هم ندارند.

بسم الله الرحمن الرحیم

درس سی و سوم

س۱- آیا افعال تعجب صرف می‌شوند یا نه؟

ج۱- افعال تعجب صرف نمی‌شوند و همیشه بر یک وزن هستند حتی مضارع هم ندارند و تصریف در افعال تعجب جایز نیست.

س۲- آیا افعال تعجب مذکر و مؤنث دارند؟

ج۲- مذکّر و مؤنث در افعال تعجب یکسان است:

مانند: «**أحسِن بِعلی**، مذکر» و «**أحسِن بِهند**، مؤنثّ»

س۳- آیا معمول افعال تعجب بر آنها مقدم می‌شود؟

ج۳- معمول افعال تعجب بر آنها مقدم نمی‌شود باید به عامل خود متّصل باشد.

شرایط افعال تعجب:
- ۱- افعال تعجب صرف نمی‌شوند.
- ۲- معمولاً فعل تعجب بر او مقدم نمی‌شود.
- ۳- از فعلی که دلالت بر عیب و رنگی دارند ساخته نمی‌شوند.
- ۴- مذکر و مؤنث در افعال تعجب یکسان است.

۱- اِعراب یعنی چه؟

ج۱- حرکت آخر کلمه معرب را اعراب گویند و اعراب متغیر است.

۲- اعراب بر چند قسم است؟

ج۲- اعراب بر دو قسم است: الف. اعراب اصلی ب. اعراب نیابتی.

۳- اعراب اصلی را تعریف کنید:

ج۳- اعراب اصلی عبارت است از حرکات مناسب که در آخر کلمه می‌آیند.

۴- حرکات مناسب چندتا هستند؟

ج۴- حرکات مناسب عبارتند از:

الف. حرکت ضمه ُ ـــُـ برای حالت رفع، مانند: **زیدٌ، اَلرَّجُلُ.**
ب. فتحه َ ـــَـ برای حالت نصب، مانند: **علیاً، السَّعیدَ.**
ج. کسره ِ ـــِـ برای جَر، مانند: **سعیدٍ، الرَّجُلِ.**
به این اعراب، اعراب اصلی گویند.
۵- اعراب نیابتی را تعریف کنید:
۵- اعراب نیابتی اعرابی است که حرفی به جای حرکت یا حرکتی به جای حرکت دیگر می‌نشیند.
۶- اعراب نیابتی بر چند قسم است؟
اعراب نیابتی بر دو قسم است: الف. حرکت از حرکت، ب. حرف از حرکت.
۷- مواضع حرکت نیابت از حرکت را بیان کنید:
آنجایی که حرکت به جای حرکت می‌نشیند عبارت است از:
الف: جمع مؤنث سالم است که در حالت نصبی کسره به جای فتحه است، مانند: **اَلمُسلِماتِ** در حالت نصبی، کسره به جای فتحه نشسته؛ **«رأیت العالمات.»**
ب: اسم غیر منصرف که فتحه به جای کسره آمده یعنی در حالت جَر مفتوح است، مانند: **«سمعتُ مِنْ یوسفَ»** در حال جر مفتوح است.
۸- مواضعی که حرف به جای حرکت می‌نشیند را نام ببرید:
در سه جا حرف به جای حرکت می‌آید:
الف: در اسماء ستّه (اَب، اَخ، حَم، فَم، هَن، ذو)

اعراب نیابتی:
- رفع: به جای ضمه، واو می‌آید.
- نصب: به جای فتحه، الف می‌آید.
- جَر: به جای کسره یاء می‌آید.

اعراب:
- ۱- اعراب اصلی.
- ۲- اعراب نیابتی.

اعراب اصلی:
- ۱- فتحه، مانند: **الرجلَ، زیداً**
- ۲- کسره، مانند: **السَّعیدِ، سعیدٍ**
- ۳- ضمه، مانند: **الرّجلُ، رجلٌ**

اعراب نیابتی:
- ۱- حرکت به جای حرکت دیگر می‌آید مثلاً فتحه به جای کسره.
- ۲- و حروف به جای حرکت می‌آید، مثلاً الف به جای فتحه.

مواضعی که حرکت به جای حرکت می‌نشیند:
- ۱- کسره به جای فتحه در جمع مؤنث سالم، یعنی کسره می‌گیرد.
- ۲- در اسم غیر منصرف در حالت جرّی فتحه می‌گیرد، مانند: عمر، یعمرَ.

مواضعی که حرف به جای حرکت می‌نشیند:
- ۱- در اسماء ستّه:
  - ۱- رفعش به واو.
  - ۲- نصبش به الف.
  - ۳- جرّش به یاء.
- ۲- در مثنّی:
  - ۱- رفعش به الف.
  - ۲- نصب و جرش به یاء.
- ۳- در جمع مذکر سالم:
  - ۱- رفعش به واو.
  - ۲- نصب و جرش به یاء.

س۱- شرایط اعراب اسماء ستّه چیست؟

شرایط اعراب اسماء ستّه عبارتند از:

الف: مفرد باشد (آباء نباشد) مانند: أبوهُ، أباه، أبیهِ.

ب: مکَبَّره باشد (یعنی مصَغَّر نباشد) مانند: أب مکبره است ... مصغره.

ج: اضافه شوند (أمّا بیغر یاء متکلّم) مانند: أبوهُ، اضافه شده به‌ها ضمیر.

س۲- اگر این شرایط را نداشته باشد چه اعرابی می‌گیرد؟

اگر یکی از این شرایط را نداشته باشد اعرابشان به وسیله حرکت است، مانند: **جاءَ آباءَهُ.** رفعش به واو نیست بلکه به ضمه است چون جمع است. رأیتُ ابینَ صبش به الف نیست چون اضافه به یاء متکلم شده، سَمعتُ مِن ابَیَّ جرش به یاء نیست چون مصغّر است.

س۳- گفتیم در سه مورد حرف به جای حرکت می‌نشیند آن سه مورد را بیان کنید:

الف: در اسماء ستّه که واو به جای ضمه است و الف به جای فتحه و یاء به جای کسره.

ب: در مثنی است که الف به جای ضمه و یاء به جای فتحه و کسره قرار می‌گیرد.

ج: در جمع مذکر سالم که واو به جای ضمه و یاء به جای فتحه و کسره قرار می‌گیرد.

یعنی اسماء ستّه رفع به واو، نصب به الف و جر به یاء می‌باشد.

مثنی رفع به الف و جر و نصب به یاء می‌باشد.

در جمع مذکر سالم رفع به واو و نصب و جر به یاء می‌باشد.

س۴- برای هر یک مثالی بیان کنید:

۱- اسماء ستّه

در حال رفع: **اَبوهُ، اخوهُ**

در حال نصب: **اباهُ، اخاهُ**

در حال جر: **ابیهِ، اخیهِ**

۲- مثنی

در حال رفع: **رَجُلانِ**

در حال نصب: **رَجُلَینِ**

در حال جر: **رجلین**

خلاصه درس سی و سوم

۱- اعراب نیابتی حرف از حرکت در سه مورد است.

۲- یک اسماء ستّه که رفعشان به واو، نصبشان به الف و جرشان به یاء است.

۳- دو در مثنی که رفعشان به الف و نصب و جرشان به یاء است.

۴- در جمع مذکر سالم که رفعش به واو و نصب و جرش به یاء است.

کتابهائی که از این نویسنده به چاپ رسیده است:

۱- آموزش قرآن (به روش پرسش و پاسخ)

۲- صرف شنوائی (روش پرسش و پاسخ)

۳- گنجهای پنهان (۳ جلد)

۴- سلام شهر شهادت (در حالات امام رضا (ع))

۵- دانندها چه می‌گویند (کشکول)

۶- با هم به میهمانی خدا برویم.